حيات عارفانه فرزانگان

نام نويسنده: حسن صدرى مازندرانى

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

## مقدمه

آن گاه كه در بهشت عبوديت قدم مى نهيم و رابطه ى خالصانه عابد و معبود را نظاره گر مى شويم عطر آن فضاى معنوى آن چنان به روح و جانمان طراوت مى بخشد كه گويى ما را نيز تشنه آن رابطه و بر آن مى دارد كه با مردان مهذب و خود ساخته و رمز و راز تهجد و شب زنده دارى آنان در مسير كمال و اقامه نماز آشنا شويم، به خصوص اين امر براى نسل جوان امروز بسيار سازنده و مفيد است، چون اينان، سن و سال جوانى را سپرى مى كنند و (الگويابى) در وجودشان موج مى زند و شناسائى علما ربانى كه الگوهاى موفق در امور معنوى و عبادى هستند نه تنها انسان را از سقوط معنوى نجات مى دهند بلكه نماز را از وادى غربت رها مى سازد.

به عنوان مثال: درخت محكمى را در نظر بگيريد كه سر به فلك كشيده است فرض كنيد اين درخت، عالم ربانى و فقيه صمدانى است كه محكم و استوار در جاى خود قرار گرفته و به سوى بالا مى رود، سپس بوته گل نيلوفرى را در نظر تصور كنيد كه در پاى آن چنار روئيده شده و با تكيه و پيچيده شدن در تنه آن درخت چنار، بالا رفته، و گلهاى خود را با كمال نشاط مى دهد اين همان انسان و علما و فرزانگان است كه با تكيه به آنها، گلهاى وجودشان را نشان مى دهند. سپس بوته گياهى ديگر را در نظر بگيريد كه زمين گير شده و در كنار آن درخت در قاذورات زمين فرو رفته و هيچ گونه رشدى ندارد، برگ و شاخه اش توسط بادهاى مختلف به هر سو حركت مى كند، خود را از آن چنار استوار، جدا نموده است. اين بوته همان انسانهاى هستند كه خودشان را از علما و فرزانگان و معنويات و عبادات آنها جدا نمودند و در خطر سقوط و هلاكت مى باشند.

از اين رو تصميم گرفتم حيات عارفانه فرزانگان علما و دانشمندان و چهره هاى بر جسته ى اسلامى و بعضا ناشناخته را به رشته ى تحرير درآورم. حيات عارفانه، شرح حيات معنوى و الهى و عبادى بزرگانى است كه بسيارى از آنان از روستاها و از گمنامى، به اوج بندگى و عبوديت و پارسايى رسيدند كه شايسته است به عنوان الگو و سرمشق در زندگى معنويمان از آنان پيروى كنيم باشد كه با اين كار بتوانيم نماز را از غربت نجات دهيم و خودمان در قيامت گرفتار غربت نشويم.

بهار سال 1382

حسن صدرى مازندرانى

## 1- حضور قلب در نماز چگونه؟ (آيت الله بهاء الدينى)

آيت الله بهاء الدينى درباره حضور قلب و توجه در نماز فرمود:

بايد ان شاء الله، با اطاعت خدا كم كم جهات ايمانى براى شما روشن شود. يعنى وجدان كنيد كه خدايى هست، نه اين كه فقط بشنويد.

شنيدن تنها چندان فايده اى ندارد، و اين كه آدم مطالب را بفهمد، غير شنيدن است (1).

## 2- نماز لذت است حضرت آيت الله العظمى بهجت

حضرت آيت الله العظمى بهجت مى گفتند: اين جمله حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله كه مى فرمايند از دنياى شما سه چيز را دوست دارم: (زن)، (عطر) و (نماز) اين بيان مى رساند كه نماز نيز لذت دارد. همانند لذتى كه در ازدواج نساء وجود دارد، حتى بالاتر (2).

## 3- گريه هاى سيد احمد كربلايى از (زبان علامه قاضى)

على آقا قاضى نقل مى كند:

شبى به مسجد سهله رفته بودم به قصد اين كه شب را در آن جا بگذرانم. نيمه هاى شب شخصى داخل مسجد شد و در مقام ابراهيم قرار گرفت و پس از انجام وظيفه صبح به سجده رفت و تا طلوع خورشيد سر از سجده برنداشت و آن سجده را با سوز و گداز در گريه و زارى و مناجات گذراند. نزديك رفتم ببينم او كيست. ديدم استادم آقا سيد احمد كربلايى (رض) است. كه از شدت گريه خاك سجده گاهش گل شده است. چون صبح شد به حجره اش رفت و مشغول درس و بحث شد، چنان مى خنديد كه صداى او به بيرون مسجد مى رسيد (3).

## 4- از نماز لذت مى برم (پير مرد نود ساله)

آقا (حضرت آيت الله العظمى بهجت) مى فرمود: عالم پير مردى كه حدود نود سال سن داشت مى گفت من از غذا لذت نمى برم، غذا خوردن مانند اين است كه كيسه اى را پر كنم ولى از نماز لذت مى برم (4).

## 5- بسان ائمه (س) نماز مى خواند (آيت الله العظمى بهجت)

در سال 1370 آيت الله جوادى آملى در درس تفسير فرمودند: خيلى اوقات ما به علامه طباطبايى عرض مى كرديم: آقا درس اخلاق به فرماييد. ايشان مى فرمود: اخلاق گفتنى نيست، عمل كردنى است، اخلاق را بايد به كار بست. شما اين حضرت آيت الله العظمى آقاى بهجت (دامت بركاته العاليه) را ببينيد تمام زندگى اش درس اخلاق است، رفت و آمد ايشان، برخوردهايشان همه درس اخلاق است. از سويى مانند ديگر فقها تدريس ‍ مى كند و از سوى ديگر بسان ائمه عليهم‌السلام نماز مى خواند! (5).

## 6- بسم الله (شيخ انصارى)

در زمان شيخ انصارى طلبه اى درس را نمى فهميد، توسلى پيدا كرد شب در خواب به او گفتند بگو،: (بسم الله الرحمن الرحيم) صبح وقتى به درس ‍ شيخ انصارى (رح) رفت درس را خوب فهميد حتى به شيخ اشكال هم مى كرد و مانع درس دادن مى شد، ناگهان شيخ به او فرمود: ببين آقا، آن كسى كه در گوش تو (بسم الله) گفته در گوش من (ولاالضالين) خوانده است و آن شاگرد ديگر ساكت شد و به عظمت شيخ پى برد (6).

## 7- مناجات وقت سحر (يكى از اساتيد اخلاق)

به گفته ى يكى از اساتيد اخلاق از وظائف حتمى طلاب است كه اين مستحب پر اهميت را ارج نهند و انجام دهد و با مناجات وقت سحر و خلوت با خداى متعال و تفكر در آيات حق، قلب خويش را نورانى و شب ظلمانى را تبديل به روز روشن كند.

و بايد دانست كه بدون خواندن نماز شب و سحر خيزى، كسى به جايى نمى رسد گرچه در درس خواندن هم بسيار كوشا و جدى باشد ممكن است عالم و باسواد شود؛ ولى به حال خود و جامعه، سودى نخواهد بخشيد (7).

## 8- فقط متهجدين (مرحوم ملكى تبريزى)

مرحوم ملكى مى گويد: استادم (ملاحسين قلى همدانى) به من فرمود: «فقط متهجدين هستند كه به مقاماتى نائل مى گردند و غير آنان به هيچ جايى نخواهند رسيد (8). »

## 9- مناجات با محبوب (آيت الله العظمى بهجت)

آيت الله شيخ جواد كربلايى يكى از مدرسين اخلاق حوزه علميه مى گويد: جناب آيت الله بهجت در جديت در نماز شب و گريه كردن در نيمه هاى شب مخصوصا شب هاى جمعه كوشا بودند. يكى از علماء و مشاهير به من فرمودند:

نيمه شب جمعه اى در مدرسه سيد (ره) در نجف اشرف ديدم كه آيت الله بهجت با صداى حزين همراه با ناله و گريه، و در حالى كه سر به سجده گذاشته بود مكرر به حق اعالى عرضه مى داشت.

«معبودا، جز تو چه كسى را دارم كه از او درخواست كنم كه گرفتارى و رنجورى ام را بر طرف نموده و در امورم نظرى بى افكند. (9)

## 10- اگر نماز نباشد گيوه باشد!

شخصى باگيوه در پا نماز مى گذارد دزدى طمع در گيوه اى او كرد! گفت، باگيوه نماز نباشد.

آن شخص مقصود او را دريافت. گفت:

اگر نماز نباشد گيوه باشد!

## 11- شما برويد من هم مى آيم (امام راحل)

چند تن از دوستان نقل كردند كه درباره امام راحل (رض) كه خيلى مقيد به نماز اول وقت بود خواستيم آقا را امتحان كنيم.

مثلا سفره غذا را درست اول وقت نماز مى انداختيم، يا وقت رفتن به مسافرت را درست اول وقت نماز قرار مى داديم.

اما حضرت امام (رض) در اين گونه موارد مى فرمودند: شما غذايتان را بخوريد و من هم نمازم را مى خوانم هر چه بماند من مى خورم يا در موقع مسافرت مى فرمودند: شما برويد من هم مى آيم و به شما مى رسم!

مدت ها از اين مساءله گذشت و نه تنها نماز اول وقت حضرت امام ترك نشد بلكه ايشان ما را هم حساس به خواندن نماز اول وقت كردند. (10)

## 12- اشك زياد در نيمه شب (امام راحل)

سيد حسن خمينى نقل مى كرد:

در نيمه هاى شب خاطرم هست كه امام سال هاى آخر به قدرى گريه مى كرد كه دستمال كاغذى افاقه نمى كرد براى پاك كردن اشك شان كنار دست شان حوله بود. (11)

## 13- نماز شب امام راحل در مدرسه دارالشفاء

حضرت آيت الله خوانسارى نقل مى كردند: امام در مدرسه دارالشفاء قم حجره داشتند و شب براى نماز شب آب حوض فيضيه كه يخ بسته بود را مى شكستند و وضو مى گرفتند و نماز شب مى خواندند، گويا در و ديوار فيضيه با اين سيد چهل ساله هم ذكر و هم صدا مى شدند. (12)

## 14- عرض ارادت به سيد الشهدا؛ قبل و بعد از هر نماز (امامراحل)

آقاى حاج سيد احمد بهاء الدينى نقل مى كرد:

امام (رض) قبل و بعد از هر نماز جمعا هشت بار عرض ارادت به سيد الشهدا مى كردند. (13)

## 15- اول وقت شرعى (امام راحل)

آقاى عيسى جعفرى نقل مى كرد: قبل از ظهر روز رحلت امام، از حال مى رفتند و به حال مى آمدند و مرتب مى پرسيدند ظهر شده؟!

نگرانى آقا اين بود كه مى خواستند در اول وقت شرعى نماز بخوانند. (14)

## 16- هتل بصره و نماز شب (امام خمينى)

روزى كه از نجف عازم كويت شديم از صبح ساعت 4 حركت كرديم و شايد هم زودتر، درست بعد از اذان صبح و بعد از آن هم گرفتارى ها ساعت 12 شايد بيشتر، سرانجام امام در هتل بصره استراحت كردند. دو ساعت خوابيده بودند كه ساعت شان زنگ زد و بيدار شدند و نماز شب خواندند و بعد هم نماز صبح... (15)

## 17- تحت تاثير شديد نماز امام راحل

وقتى امام را از قم مى بردند براى زندان (در عصر طاغوت) امام با حالتى نماز شب خوانده اند كه يكى از همراهى هان - مثل اين كه سرگرد عصار بود - بعدا به من گفت كه ما تحت تاثير شديد نماز امام واقع شديم.

## 18- تعقيبات نماز صبح (آيت الله العظمى بهجت)

يكى از شاگردان حضرت آيت الله العظمى بهجت فرمود:

يك بار از حضرت آيت الله بهجت سؤ ال كردم كه آقا! از ميان ذكرهاى تعقيبات نماز صبح كدام شان بهتر مى باشد؟

ايشان فرمودند: تمام شان خوب است. وقتى فكر كردم ديدم واقعا همين طور است هر كدام درمان دردى است. (16)

## 19- همه چيز تابع نماز (آيت الله العظمى بهجت)

حضرت آيت الله بهجت در نوشته هايش دارد كه همه چيز تابع نماز است.

هم چنين خود آقا فرمودند: همانند سلمان فارسى نماز خواندن نياز به مقدمات فراوان دارد و نمى توان به اين زودى ها نماز با حالى همچون سلمان خواند. (17)

## 20- ميزان ؛ نماز است (آيت الله العظمى بهجت)

نقل شده: يك بار به حضرت آيت الله العظمى بهجت عرض كردم: آقا! پس ‍ از بيست، سى سال طلبگى و درس خواندن هيچ پيشرفتى نكرده ام، نه در علم و نه در عمل. آقا فرمود: مگر خودت را وزن كرده اى؟!

بعد فكر كردم و ديدم كه چه جمله كاملى است. اگر صد سال عمر كنم همين جمله برايم كافى است. بله، انسان بايد كارهايش را بسنجد و ميزان، نماز است. (18)

## 21- انقلاب فكرى را ايشان در ما ايجاد كرد (آيت الله العظمى بهجت)

يكى از شاگردان حضرت آيت الله العظمى بهجت كه حدود سى سال با ايشان آشنايى دارند و پانزده سال محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى علامه طباطبايى را درك كرده اند؛ گفتند:

شنيديم كه حضرت آيت الله خامنه اى مى فرمود:

«بنده حدود بيست سال است با حضرت آيت الله بهجت ارتباط دارم و از ايشان استفاده مى كنم و نيز فرموده اند كه الان نيز اگر وقت داشتم، هر دو هفته يك بار به خدمت شان مى رسيدم. » (19)

## 22- نماز بهترين دستور است (آيت الله العظمى بهجت)

حضرت آيت الله العظمى بهجت مى فرمودند: معيار اصلى نماز است اين نماز بالاترين ذكر است. شيرين ترين ذكر است، برترين چيز است. حال برخى به دنبال ذكرهاى ويژه اى مى گردند كه كسى نشنيده باشد.

يك سال قصد داشتم تابستان به زيارت حضرت على بن موسى الرضا عليه‌السلام بروم و آن جا اقامت كنم. خدمت علامه طباطبايى رسيدم و گفتم: آقا مى خواهم به زيارت بروم. در آنجا چه عملى انجام دهم؟ مى خواهيم به برترين مكان برويم آنجا چه كنيم؟ ايشان فرمودند: «الصلاه خير موضوع » نماز بهترين دستورى است كه تشريع شده است (20). آنجا كه انسان مى خواهد به خدا برسد اينگونه دستور مى دهند. (21)

## 23- احترام به نماز (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله)

كسى كه پيش از نماز خود را براى نماز آماده نكند، به نماز احترام نكرده است. لذا از بعضى از زنان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل شده است كه:

«آن حضرت با ما صحبت مى كرد و ما با او صحبت مى كرديم چون وقت نماز حاضر مى شد، گويى او ما را نمى شناخت و ما او را نمى شناختيم بس ‍ كه به خدا و نماز توجه پيدا مى كرد. » (22)

## 24- نجات از آتش (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله)

حضرت على عليه‌السلام از رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كرد كه آن حضرت فرمود: «بنده اى نيست كه به اوقات نماز و طلوع غروب خورشيد اهميت بدهد مگر اين كه من ضامن ميشوم براى او راحتى هنگام مرگ، و بر طرف شدن غم و اندوه، و نجات از آتش دوزخ را» (23)

## 25- بيانديشيد (لطيفه)

شخصى از امام جماعتى پرسيد كه امروز در مسجد مشغول نماز بودم ديدم دزدى مى خواهد كفش هاى مرا ببرد، من نمازم را قطع كردم و او را مانع شدم، آيا به جهت اين گناهى نكرده ام؟

امام جماعت گفت كفش هاى تو چه قدر ارزش داشت؟

گفت: تقريبا دو قران.

گفت: عيبى ندارد، نماز تو هم دو پول نمى ارزيد!

## 26- سواره و پياده، نماز نافله مى خواند (ميرزا حبيب الله رشتى)

نوشته اند: ميرزا حبيب الله رشتى مدام در عبادت بود. بسيار نماز مى خواند و بسيار روزه مى گرفت. حتى در مسافرت نيز از عبادت خود نمى كاست. او در تمام ساعات حتى هنگام خروج از منزل براى تدريس، يا زيارت بارگاه معصومين عليه‌السلام، سواره و پياده، نماز نافله مى خواند و تسبيح مى گفت و قرآن تلاوت مى كرد و هميشه وضو داشت. (24)

## 27- نمازهاى والدين را سه بار اعاده كرد (ميرزا حبيب الله رشتى)

ميرزاى رشتى جامع همه فضيلت ها بود. از عبادت و زهد تا هوشيارى و بزرگ منشى، اما سپاس گزارى او در حق پدر و مادرش آموختنى و نشانه بالندگى او در مراحل عالى شكر به درگاه حضرت حق است، او براى ارج نهادن به زحمات شبانه روز والدين خود، نمازهاى آنان را به سه بار اعاده كرد.

يعنى همه نمازهايى كه يك مكلف از تكليف تا مرگ مى خواند، او سه بار براى شادى روح آنان خواند.

يك بار به تقليد از مراجع پدر و مادرش و دو بار به اجتهاد خودش و اين مطلب درباره هيچ يك از علماى تاريخ، ذكر نشده است. (25)

## 28- قله بر بلنداى عرفان (ميرزا حبيب الله رشتى)

شب هاى نجف، مناجات دلداگان بسيارى را در خاطر دارد.

ميرزا حبيب الله رشتى، شب ها به ضيافت نور مى رفت ؛ از خوف خدا چنان مى گريست كه در و ديوار خانه محقرش، صداى سوزناك گريه اش را مى شنيد؛ گريه از فراق يار و بيم صحراى محشر.

او كه راه پيماى بلنداى قله عرفان بود، انجام مستحبات را از سال هاى جوانى پيش گرفته و هماره اهتمامى وصف ناپذير در انجام آن داشت. (26)

## 29- نورانيت نماز اول وقت (امام محمد باقر عليه‌السلام)

امام محمد باقر عليه‌السلام فرمودند: اولين چيزى كه بنده خدا به وسيله آن محاسبه مى شود نماز است، اگر قبول درگاه خدا قرار گيرد آن چه غير از نماز است نيز قبول شود، همانا نماز اگر در وقت خودش بالا برود، بر مى گردد پيش صاحبش در خيلى كه سفيد و نورانى است مى گويد مرا حفظ كردى، خدا حفظت كند و اگر در غير وقتش انجام گرفته شود بر مى گردد پيش صاحبش در حالى كه سياه و تاريك است مى گويد مرا ضايع كردى خدا ضايعت گرداند. (27)

## 30- عبرت گيريد! (لطيفه)

در ميان عرف مشهور است كه پيرمردى مى خواست پسرش را تنبيه كند، پسرش گريخت و وارد مسجدى شد، پيرمرد نزديك در مسجد آمده و سر در درون آن كرده به پسر آواز داد كه: اى فلان فلان شده بيا بيرون ؛ بيا بيرون و بعد از هفتاد سال پاى مرا به مسجد باز مكن!!

برادر و خواهر! اگر چه اين شايد به عنوان شوخى باشد ولى از اين نوع افراد در جامعه اسلامى فراوان هستند.

## 31- قبله (لطيفه)

معروف است ؛ شخصى خواست در خانه اى نماز بخواند، از صاحب خانه پرسيد قبله كدام طرف است؟

صاحب خانه در جواب گفت: من هنوز دو سال بيشتر نيست كه در اين خانه ام كجا مى دانم قبله كدام طرف است؟!

بلى! اين هم واقعيتى ديگر.

## 32- رمز خاص براى اقامه نماز شب (مرحوم آقا نجفى قوچانى)

مرحوام آقا نجفى قوچانى (ره) ضمن گزارش ماجراهاى دوران طلبگى خود در اصفهان مى نويسد:

«... در اين حجره تازه كه حجره هامان وصل به هم بود از ميان طاقچه سوراخ نموديم و ريسمانى در آن كشيديم كه يك سر ريسمان در حجره ى رفيق بود و يك سر آن در حجره من، وقت خواب، آن سر را رفيق به پا يا دست خود مى بست و اين سر ريسمان را من به دست خود مى بستم كه سحر هر كدام زودتر بيدار شويم ديگرى را بدون اينكه صدايى بزنيم، به توسط همان ريسمان بيدار كنم كه مبادا طلبه اى از صداى ما بيدار شود و راضى نباشد. (28)

## 33- 5/2 بعد از نيمه شب (استاد شهيد مطهرى)

فرزند استاد شهيد مطهرى مى گويد:

آن شبى كه خبر ترور را شنيديم، همگى تا صبح بيدار بوديم. ساعت 5/2 بعد از نيمه شب بود كه زنگ ساعتى كه ايشان را مطابق معمول براى نماز شب بيدار مى كرد، به صدا در آمد ولى او در قيد حيات نبود. او نماز شبش ‍ را در ميان خون مطهرش، زودتر از موعد نماز شب در تاريكى خيابان خواند. (29)

## 34- گريه هنگام نماز شب و تلاوت قرآن (استاد شهيد مطهرى)

رهبر عزيز انقلاب اسلامى مى فرمايد:

ايشان استاد مطهرى هنگامى كه به مشهد مى آمدند، گاهى اوقات به منزل ما وارد مى شدند. اتاقى كه ايشان شب ها مى خوابيدند، با يك در فاصله داشت با اتاقى كه من مى خوابيدم. ايشان هميشه وقت خواب مقيد بود به خواندن قرآن. صداى ايشان را شنيدم كه در هنگام تهجد و نماز شب خواندن، گريه مى كردند. البته نماز شب خوان زياد داريم ؛ اما نماز شب خوانى كه در نيمه ى شب با آن حال اشك بريزد و گريه كند، كم داريم... (30)

## 35- خدا مرا به واسطه ى همان يك نماز بخشيد (شيخ ارده شيره)

حضرت آيت الله العظمى نجفى مرعشى مى فرمودند:

در قم شيخى بود معروف به شيخ ارده شيره جهت معروف شدنش به اين نام آن بود كه او به ارده شيره بسيار علاقه داشت و حتى كتابى در وصف ارده شيره نوشته بود. آدم فقيرى بود خانه و منزلى نداشت. در حقيقت تارك دنيا بود. يك شب در زمستان در ميان مقبره ميرزاى قمى در قبرستان شيخان خوابيد صبح براى نماز بلند شد ديد برف زيادى آمده پشت در را گرفته، شيخ هر كارى كرد در باز نشد، ماند در ميان مقبره از طرفى وسيله وضو حتى وسيله ى تيمم هم نبود چون مقبره باگچ و سيمان و ساير مصالح ساختمانى پوشيده شده بود نزديك طلوع آفتاب شد ديد نمازش قضا مى شود با همان حال بدون وضو و تيمم صحيح نماز را خواند بعد از نماز رو كرد به طرف آسمان و دستها را بلند نموده به شوخى به خداوند عرض ‍ كرد: خدايا! تا به حال تو به من هر چه دادى من چيزى نگفتم و قبول كردم گاهى نان و ارده شيره دادى شكر كردم، گاهى هم نان دادى و اصلا خورش ‍ ندادى باز هم قبول كردم خدايا تو هم امروز اين يك نماز بى طهارت را از من قبول كن و مرا مواخذه مكن.

ناقل فرمود بعد از وفات شيخ يكى از دوستان صالحش او را در خواب ديد پرسيد: خداوند با تو چگونه رفتار كرد؟

گفته بود: خدا مرا به واسطه ى همان يك نماز بخشيد (31).

## 36- وضوى حضرت امام (رض)

مقام معظم رهبرى فرمودند: من دو مرتبه وضو گرفتن امام عزيز را ديده ام. درست مثل وضوى پيامبر اكرم (صلى الله عليه وآله) كه در اخبار بيانيه ذكر شده است، فقط براى هر يك از صورت و دستها به يك مشت آب اكتفا مى كردند و با يك مرتبه شستن وضو مى گرفتند. (32)

## 37- آرزوى حضرت مريم (س) بعد از مرگ

پس از آن كه حضرت مريم (س) از دنيا رفت حضرت مسيح (ع) جنازه مادرش را پس از تطهير به خاك سپرد. پس روح مادر را در خواب ديد. مسيح پرسيد: مادر! آيا هيچ آرزويى دارى؟

مريم (س) پاسخ داد: آرى، آرزويم اين است كه در دنيا بودم و شبهاى سرد زمستانى به مناجات و عبادت در درگاه خدا به بامداد مى رساندم، و روزهاى گرم تابستانى را روزه مى گرفتم. (33)

## 38- هر كجا وقت نماز رسيد (امام راحل)

يكى از علما به آيت الله ميرزاآقا جواد تهرانى (1368 هجرى شمسى) نقل كرد كه در دوران تحصيل در حوزه علميه قم گاهى بعضى از دوستان حاج آقا روح الله (رض) به ايشان اصرار ورزيدند كه يك روز تعطيلى براى گردش ‍ به خارج از شهر بروند كه استراحتى بنمايد. ولى آقا قبول نمى نمودند و گاهى كه اصرار به حد بالايى مى رسيد با دو شرط قبول مى نمودند كه بيايند: اول: اين كه هر كجا وقت نماز رسيد ولو در جاى نامناسب نماز را اول وقت بخوانند: دوم: اين كه، از احدى سخنى كه بوى غيبت از آن استشمام شود شنيده نشود. (34)

## 39- وقت سحر به حال توجه (آيت الله حسن زاده آملى)

حضرت آيت الله حسن زاده آملى در كتاب «انسان در عرف عرفان » در فصل سوم، تمثلات و القاءات سبوحى در واقعه 21 مى فرمايد:

شبى وقت سحر در تاريكى به حال توجه نشسته بودم، ناگهان ديدم كه دو چشمم به اندازه اى نور مى دهند كه كتابى را در دست داشتم به خوبى با آن نور مى خواندم. ولكن زمان آن كم و كوتاه بود (35).

## 40- نماز جماعت با امام عصر (عج) (عارف ميرزا جواد آقا ملكى)

در كتاب گنجينه ى دانشمندان يكى از شاگردان خاص ميرزا جواد ملكى تبريزى مى گويد:

«شبى در شاهرود خواب ديدم كه در صحرايى صاحب الامر (عج) با جماعتى تشريف داشتند و گويا به نماز جماعت ايستادند. نزديك رفتم كه جمال مباركش را زيارت كنم و دست شريفش را ببوسم ؛ شيخ بزرگوارى را ديدم كه در كنار آن حضرت، و آثار بزرگوارى و وقار از سيمايش پيدا بود. هنگامى كه بيدار شدم درباره ى آن شيخ فكر كردم و در انديشه ى اين معنا رفتم كه او كيست كه تا اين اندازه به امام عصر (عج) مربوط و نزديك است.

براى يافتن به مشهد مشرف شدم، وى را نديدم. در تهران آمدم، به او برخورد نكردم. به قم مسافرت كردم و در مدرسه ى فيضيه او را در يكى از حجره ها مشغول تدريس ديدم. پرسيدم اين آقا كيست؟ گفتند: آقاى حاج ميرزا جواد آقا ملكى است. خدمتش رسيدم، از من تفقد زيادى كرد و فرمود: كى آمدى؟ گويا مرا ديده و شناخته و از قضيه آگاهند.

از آن پس، ملازمتش را اختيار كرده و او را چنان يافتم كه ديده بودم و مى خواستم (36).»

## 41- رنجش حوريه (حضرت علامه طباطبايى)

علامه طباطبايى (ره) در كتاب (مهرتابان) درباره ى يكى از حالات روحانى اش مى فرمايد:

«روزى من در مسجد كوفه نشسته و مشغول ذكر بودم، در آن بين يك حوريه ى بهشتى از طرف راست من آمد و يك جام شراب بهشتى در دست داشت ؛ و براى من آورده بود، و خود را به من ارائه مى نمود، همين كه خواستم به او توجهى كنم، ناگهان ياد حرف استاد مرحوم قاضى افتادم و لذا چشم پوشيده و توجهى نكردم، آن حوريه برخاست و از طرف چپ من آمد و آن جام را به من تعارف كرد، من نيز توجهى ننمودم و روى خود را برگرداندم، آن حوريه رنجيده شد و رفت. و من تا به حال هر وقت آن منظره به يادم مى افتد از رنجش آن حوريه متاثر مى شوم (37).»

## 42- دو ركعت نماز حاجت آيت الله مدنى (رح)

مى گويند: آيت الله مدنى چندى پيش از شهادت يعنى بهار سال 60 با دوستانش آيت الله دستغيب، آيت الله صدوقى و حجه الاسلام هاشمى نژاد در مشهد مقدس وقتى ضريع امام عليه‌السلام را غبار روبى مى كردند، هر كدام دو ركعت نماز حاجت خوانده و از خداوند شهادت در راه اسلام را خواسته بودند (38).

## 43- من مى خواهم از عبادت هايم توبه كنم (آيت الله مدنى)

آيت الله مدنى مرد عمل بود. و در كارهايش نيز جز خدا را در نظر نمى آورد و مى گفت: ارزش عمل به نيت است. اگر نيت براى غير خدا باشد، به چه دردى مى خورد؟ به همين سبب در تمام ابعاد زندگى اش دقيق و حساب شده عمل مى كرد، و در نماز و نيايش نيز چنين بود و به اطرافش هيچ توجه نمى كرد و تنها با خدايش مى گفت و مى گريست.

داماد ايشان آقاى بروجردى در ضمن خاطراتش مى گويد:

در شب بيست يكم ماه مبارك رمضان يكى از سال ها، شب قدر و احياء در مسجد شيخ انصارى در نجف اشرف مجلس بسيار عظيم و با شكوهى ترتيب داده بود و علما و فضلا و كاسب ها و اقشار مردم در مسجد گرد آمده بودند شب از نيمه گذشته بود. ايشان بالاى منبر رفته همه را موعظه فرمود و دل ها را براى دعا و تضرع آماده ساخت. تا اين كه چراغ ها را طبق مرسوم خاموش كردند. در آن تاريكى، ايشان جمله اى بيان كردند كه مجلس واقعا منقلب شد و همه را سخت متاثر و گريان كرد فرمودند:

رفقا! اگر شماها امشب آمده ايد از گناهان تان در پيشگاه خداوند تبارك و تعالى توبه كنيد، ولى من خدا را شاهد مى گيرم كه آمده ام از اعمال و عبادت هايم توبه كنم. زيرا فكر مى كردم اين اعمالى كه انجام داده ام عبادت خداوند بوده است. اما حالا مى فهم كه آن ها توهين به ذات مقدس حق تعالى بود. لذا امشب مى خواهم از آن ها توبه كنم (39).

## 44- نجوا با خدا در قنوت نماز (آيت الله مدنى)

آيت الله مدنى در همه حال چشم به درگاه فيض الهى داشت در قنوت نمازهايش با سوز و گداز با خدا به نجوا مى ايستاد و از او شهادت در راه اسلام و انقلاب را طلب مى نمود، چون در عالم رويا جام شهادت از مولايش حسين عليه‌السلام گرفته بود، بى صبرانه در انتظار آن روز بود؛ خود گفت: من در دو موضوع نسبت به خودم شك كردم. يكى اين كه به من كه مى گوييد «سيد اسدالله » آيا واقعا من از اولاد پيامبر هستم؟ و ديگر كه آيا من لياقت آن را دارم كه در راه اسلام شهيد بشوم يا نه؟

روزى به حرم امام حسين عليه‌السلام رفتم و در آن جا با ناله و زارى از امام خواستم كه جوابم را بدهد. پس از مدتى يك شب امام حسين عليه‌السلام را در خواب كه بالاى سرم آمد و دستى به سرم كشيد و اين جمله را فرمود: «يا بنى انت مقتول » يعنى اى فرزندم، كشته مى شوى كه جواب دو سوال من در آن بود؛ اما فرمود: فرزندم! يعنى من سيد هستم و ديگر «من بشارت داد كه شهيد مى شوم » و به دين جهت بود كه آيت الله مدنى همواره چون پروانه بى قرار در آتش اين اشتياق مى سوخت (40).

## 45- خدايا! من آمدم (آيت الله مدنى)

آقاى بهاء الدينى (داماد آيت الله مدنى) در خاطراتش مى گويد: ما حالات نورانى و با صفاى ايشان را در مناجات هاى نيمه شب شان نظاره گر بوديم. در نيمه شب يك روز تابستانى در محلى نزديك همدان من ديدم از ميان درختان باغ صداى ناله مى آيد. از رختخواب كه بلند شدم ديدم آقا مدنى نيست و رفته در ميان درختان گريه مى كند و مى گويد: خدايا من آمدم اگر تو به من جواب ندهى و رهايم سازى كيست كه مرا دريابد (41).

## 46- عشق به امام رضا عليه‌السلام شهيد مدنى

شهيد آيت الله مدنى مى فرمايد:

وقتى به مشهد آمدم حاجتى داشتم و آن را به امام رضا عليه‌السلام عرض كردم تا دوازده روز اثرى نديدم. روز دوازدهم به امام عرض كردم: اى امام! من از افرادى نيستم كه زود دست بر دارم تا وقتى حاجتم را بر آورده نكنى از خانه ات نمى روم فرداى آن روز در مسجد نماز مى خواندم پس از نماز مردى كه با امام ارتباط قلبى داشت دستش را روى شانه ى من گذاشت و فرمود: سيد حاجتت برآورده شد! و هيمن طور نيز شد و به آن چه مى خواستم رسيدم (42).

## 47- سجاده ى خونين (حضرت آيت الله مدنى)

جمعه روز 20 شهريور 1360 روز ديگرى در شهر تبريز بود. و آيت الله مدنى در اين روز حال و هواى ديگرى در ايراد خطبه ها داشت مردم مشتاقى كه از سراسر شهر به سوى مصلاى نماز جمعه سرازير شده بودند به نغمه هاى جان سوز اين مرد بزرگ گوش جان مى سپردند. خطبه تمام شد و آيت الله مدنى نماز جمعه را هم به پايان و به عادت هميشگى در بين نماز جمعه و عصر به عبادت مشغول شد. در اين هنگام از صف سوم نماز، منافقى از نسل خوارج بلند شد و به سوى ايشان هجوم برد پس از لحظه اى كوتاه آيت الله مدنى را كه چون كبوترى آزاد در عالم ملكوت اوج گرفته بود، در چنگال كركس خون آشام قرار داد و سپس صداى انفجارى مهيب محراب عبادت را غرق در خون كرد... امام جمعه، بر سجاده ى خونين غلتيد و محاسن سفيدش به خون سرخش خضاب شد و مرغ روح ناآرامش ‍ كه سال ها در سر هواى پرواز داشت قفس تن را شكست و به ملكوت اعلى پرگشود. و به دين گونه دعايش بر كرسى اجابت نشست. (43)

## 48- دو سال نماز و روزه ى استيجارى (شيخ اعظم انصارى)

در لوء لوء الصدف گويد:

در كتاب مردان علم در ميدان عمل به نقل از لوء لوء الصدف مى گويد: يكى از علماى بزرگ مولف، حكايت كرد كه رفتم نزد شيخ انصارى عرض كردم يكى از سادات كه از فضلاى حوزه است بسيار مضطر شده و عيال او در حال وضع حمل است كمكى درباره او به فرمايد:

شيخ انصارى فرمود: چيزى ندارم به جز مقدارى وجه و روزه، خوب است دو سال نماز و روزه به او بدهم. عرض كردم فلانى آقا زاده است اهل نماز و روزه ى استيجارى نيست به علاوه او علاقه به درس خواندن دارد و اين كار مانع درس او مى شود.

شيخ تاملى نموده فرمود: «پس من دو سال عبادت را خودم به جا مى آورم شما پولش را براى او ببريد. اين كار را خود به عهده گرفت در حالى كه مشاغل زيادى داشت (44).»

## 49- نمازها را من خودم مى خوانم (سيد على دزفولى)

سيد على دزفولى (كه به واسطه ى احتياط كردنش به او سيد محتاط مى گفتند) گفت: «در نجف اشرف به جهت فقرى كه به من آورده بود رفتم نزد شيخ و او را از حالم باخبر كردم. فرمود نزد من چيزى نيست ولى برو نزد فلانى و به او بگو دو سال نماز به تو بدهد و پول آن را براى خودت بگير نمازها را من خودم مى خوانم. (45)»

## 50- مسجد سهله و اشك روى ريگ ها (شيخ مهدى اصفهانى)

مرحوم شيخ مهدى اصفهانى عارف بزرگ و مراد طريقت مى فرمودند: «كمتر ريگى است در بيابان مسجد سهله كه اشگ من روى آن نريخته باشد. » (46)

## 51- عروج يك رزمنده

نقل شده كه يكى از رزمندگان بسيار كم سن و سال در زمان جنگ شب جمعه اى در دعاى شركت كرد وقتى روضه خوان رسيد به اين فراز كه «الهى و ربى من لى غيرك » سر بر سجده گذاشت و جان به جان آفرين تسليم كرد. (47)

## 52- يقين ندارم كه در خواب هم گناه نكنم (سؤال از عالمى)

در قديم طلاب اصلا پيش نماز نمى شدند و ائمه جماعت اكثرا مجتهد بودند. از عالمى پرسيدند شما چرا پيش نماز نمى شويد؟

گفت: يقين ندارم كه در خواب هم گناه نكنم. (48)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى خوش آن كسى كه عيب خويش ديد  |  | هر عيبى گفت او بر خود خريد  |

## 53- سجده طولانى (مرحوم آيت الله كمپانى)

روزى آيت الله محمد حسين اصفهانى معروف به كمپانى در حرم حضرت امير المومنين عليه‌السلام مشغول سجده طولانى بودند كه در آن حضرت سيد الشهداء را مى بينند كه به ايشان مى فرمايد:

«اينجا در حضور جمعيت براى عمل سجده طولانى خوب نيست، اين گونه اعمال را در جاى خلوت انجام دهيد.» (49)

## 54- دو ركعت نماز و دعا (آيت الله حسن زاده آملى)

حضرت آيت الله حسن زاده آملى فرمودند: شبى در خواب حالت مكاشفه اى برايم رخ داد و مرا به جايى بردند و گفتند كه دو ركعت نماز بخوان و دعا كن، من خواندم و دعا كردم كه خدايا علمم را زياد كن، بعد مرا پيش امام رضا عليه‌السلام بردند امام به من فرمود:

«بيا زبانم را بمك ». من رفتم و زبان آقا را مكيدم در آن جا ياد آن حديث افتادم كه امام على عليه‌السلام زبان پيامبر را مى مكيد و فرمود: هزار باب علم برويم گشوده شد و از آن هزار باب، هزار باب ديگر، بعد امام رضا عليه‌السلام عملا طى الارض را در عالم خواب به من نشان داد. (50)

## 55- دو توصيه از شيخ حسنعلى نخودكى (رض)

اين چند جمله هم از پير طريقت و مراد سالكان شيخ حسنعلى (رض) عرضه به پيران راهش: اين كه انسان دو سه خواب ببيند، و يا وقت ذكر نورى مشاهده كند، به هيچ وجه مورد نظر حقير نيست. عمده نظر در دو مطلب است: يكى: غذاى حلال. دوم: توجه در نماز و اصلاح آن. (51)

## 56- جسارت به شيخ جعفر كاشف بعد از نماز

روزى آيت الله حاج شيخ جعفر كاشف (ره) در نماز جماعت، وقتى كه در سجاده نماز نشسته بودند سيدى آمد و گفت از وجوهاتى كه نزد شماست قدرى به من كمك كنيد، شيخ فرمودند: فعلا چيزى ندارم آن سيد عصبانى شد و آب دهانش را به صورت آقا انداخت. شيخ هيچ نفرمود بلند شد و رو به جمعيت كرده و فرمودند: هر كس محاسن شيخ را دوست دارد به اين سيد كمك كند سپس خودشان در ميان صف ها گشتند و پول جمع كردند و اتفاقا پول زيادى جمع شد و همه را به سيد دادند. (52)

## 57- نماز ايستاده در هنگام بيمارى (آيت الله كوهستانى)

خدمت كار حضرت آيت الله العظمى كوهستانى (ره) نقل كرده: ايامى كه آقاجان در بيمارستان گرگان تحت عمل جراحى قرار گرفته بود و از نظر پزشكى نبايد از جايش حركت مى كرد و براى حالش مناسب نبود، در همان حال به من فرمود: كه او را نگه دارم تا نمازش را ايستاده بخواند و راضى نمى شد كه بر روى تخت بخواند. (53)

## 58- تضرع در نيمه شب (آيت الله كوهستانى)

يكى از شاگردان حضرت آيت الله العظمى كوهستانى (ره) مى گويد: من در مدرسه فضل (مجاور حسينيه آيت الله كوهستانى) حجره داشتم. آقا به ما سفارش كرده بود هنگام خواب درب حياط حسينيه را ببنديد.

در يكى از شب ها بيدار شدم، نيمه شب بود، رفتم ببينم در بسته است يا خير؟ زمزمه اى شنيدم و جلوتر رفتم. صدا از اتاق كوچك حسينيه مى آمد آهسته خود را به نزديك اتاق رساندم و از پشت پنجره نگاه كردم، ديدم مرحوم آقا جان در اتاق ديدم قدم مى زند و سخت گريه و زارى مى كند. مشغول خواندن يكى از دعاهاى صحيفه سجاديه بود و گاه سربه سوى آسمان مى كرد و با توجه و خشوع «ياالله » را تكرار مى نمود گويا كه در و ديوار با او مشغول ذكر شده بود. اين ماجرا براى من جالب توجه و عجيب بود (54).

## 59- نمازهاى طولانى (آيت الله كوهستانى)

حضرت آيت الله نصيرى از شاگردان برجسته ى حضرت آيت الله العظمى كوهستانى (ره ) مى گويد: به محضرشان عرض كردم نماز شما خيلى طول مى كشد، در نتيجه بسيارى از مامومين از ثواب جماعت باز مى مانند خوب است نمازتان را مختصرتر كرده تا شركت كنندگان نماز جماعت بيش تر گردند و به پاداش و ثواب جماعت برسند. فرمود: خيلى تفاوت ندارد. در عين حال استاد خواهش مرا پذيرفت و چند روزى نماز را سريع تر به پايان مى رساند. تعداد مامومين زيادتر شده بود، ولى طولى نكشيد كه ديديم تعداد شركت كننده به حال اول برگشت. آقا فرمود:

آقا سيد تقى ديدى چندان تفاوت ندارد بگذاريد من به حال خودم باشم (55)

## 60- سه نفر محو جمال خدا در نماز (يكى از شاگردان رجبعلى خياط)

يكى از شاگردان شيخ رجب على خياط كه حدود سى سال با او بوده مى گويد: خدا شاهد است كه من مى ديدم در نماز مثل عاشق در مقابل معشوق ايستاده و محو جمال اوست. در عمرم سه نفر را ديدم كه در نماز معركه بودند: «مرحوم آقاى شيخ رجب على خياط»، «آيت الله كوهستانى »، و «آقا شيخ حبيب الله گلپايگانى » در مشهد. اين ها عجيب بودند وقتى به نماز مى ايستادند، من با ديده ى الهى مى ديدم كه فضا كيفيتى ديگر است و آن ها به غير خدا توجهى ندارند (56).

## 61- نماز اول وقت (آيت الله العظمى كوهستانى)

آن گاه كه صداى ملكوتى اذان در گوش طنين انداز مى شد و وقت نماز مى رسيد، معظم له كارهاى خود را تعطيل مى كرد و آماده نماز و حضور در درگاه بى نياز مى گشت. يكى از شاگردان ايشان مى گويد: روزى با يكى از طلاب مشغول مباحثه بوديم و آقا در حسينيه مشغول تدريس بود، همين كه صداى اذان ظهر را شنيد كتاب را بست و فرمود:

«باباجان من ديگر نمى توانم درس بگويم بايد بروم نماز (57) »

## 62- نماز خالصانه (آيت الله كوهستانى)

حضرت آيت الله العظمى كوهستانى (ره) فرمود:

هنگامى كه افشار طوس (58) حرم امام رضا عليه‌السلام را به توپ بسته بود، من در حرم مشغول نماز بودم هيچ نترسيدم و به آن نماز اميدوارم.

## 63- اصل ولايت است (آيت الله ميرزا آقا ملكى تبريزى)

از آيت الله ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى (رض) پرسيدند:

شما (اشهد ان عليا ولى الله) را جزء اذان و اقامه مى دانيد؟

ايشان فرمودند: ما نماز را جزء مى دانيم يعنى اصل، ولايت است (59).

## 64- سوره ى «ص» در نماز وتر (سفارش علامه به علامه)

علامه حسن زاده آملى از علامه (طباطبايى) طلب موعظه و سفارش كردند. علامه فرمود: سوره مباركه «ص » را در نمازها «وتيره » بعد از حمد بخوانيد در حديث است كه «ص » از ساق عرش نازل شده است.

سپس فرمود: در مسجد سهله در مقام ادريس نماز مى خواندم و در نماز وتيره سوره «ص » را قرائت مى كردم كه ناگهان ديدم از جاى خود حركت كردم ولى بدنم در زمين است به قدرى با بدنم فاصله گرفتم كه آن را از دورترين نقطه مشاهده مى كردم تا پس از چندى نهر آب را ديدم چنان كه در روايت آمده است: (ص نهر فى الجنه) (60)

## 65- نماز شب (مرحوم نخودكى)

نماز شب را مواظبت و مداومت كنيد، زيرا كه سنت پيامبر شماست و از تن تان ؛ بيمارى و درد زائل مى سازد (61).

## 66- ذكر وتر نماز شب (امام جعفر صادق عليه‌السلام)

در كتاب (من لايحضره الفقيه) از حضرت امام صادق عليه‌السلام روايت است كه: هر كس كه در نماز شب خود، آن هنگام كه نماز وتر مى گذارد، هفتاد مرتبه بگويد:

(استغفرالله و اتوب اليه) و بر اين كار مدت يك سال مداومت نمايد، خداوند متعال نام او را از جمله (مستغفرين بالاسحار) آيه 16، سوره آل عمران ؛ نوشته و مغفرت آمرزش حق تعالى، شامل او مى گردد (62).

## 67- يك نماز صبحم قضا شد. (مرحوم نخودكى)

حضرت على بن الحسين عليه‌السلام مى فرمايند: اگر آدمى، يك اربعين به رياضت پردازد، اما يك نماز صبح از او قضا شود، نتيجه آن اربعين، هباء منثورا خواهد گرديد. شيخ نخودكى فرمود: بدان كه تمام عمر خود، تنها يك روز، نماز صبحم قضا شد. پسر بچه اى داشتم شب آن روز از دست رفت. سحرگاه، مرا گفتند كه اين رنج فقدان را به علت فوت نماز صبح، مستحق شده اى. اينك اگر شبى، تهجدم ترك گردد، صبح آن شب، انتظار بلايى مى كشم (63).

## 68- سفارش مرحوم نخودكى به فرزندش

اول: آن كه نمازهاى يوميه خويش را در اول وقت آن ها به جاى آورى.

دوم: آن كه در انجام حوائج مردم، هر قدر كه مى توانى، بكوشى و هرگز مينديش كه فلان كار بزرگ از من ساخته نيست، زيرا اگر بنده ى خدا در راه حق، گامى بردارد، خداوند نيز او را يارى خواهد فرمود. در اين جا عرضه داشتم: پدر جان، گاه هست كه سعى در رفع حاجت ديگران، موجب رسوايى آدمى مى گردد.

فرمودند: چه بهتر كه آبروى انسان در راه خدا بر زمين ريخته شود.

سوم: آن كه سادات را بسيار گرامى و محترم شمارى و هر چه دارى، در راه ايشان صرف و خرج كنى و از فقر و درويشى در اين كار پروا مى نمايى. اگر تهى دست گشتى، ديگر تو را وظيفه اى نيست.

چهارم: از تهجد و نماز شب غفلت مكن و تقوى و پرهيز پيشه ى خودساز.

پنچم: به آن مقدار تحصيل كن كه از قيد تقليد وارهى (64).

## 69- سجاده را به خاطر سيادت شما مى پذيرم (مرحوم نخودكى)

در سال 1314 هجرى يكى از سادات محترم مشهد براى ايشان (مرحوم نخودكى) سجاده اى و رخت خوابى هديه فرستاد.

در جواب فرموده بودند: سجاده را به خاطر سيادت شما كه رعايت حرمتش را بر خود واجب مى دانم مى پذيرم ولى به رخت خواب نيازم نيست زيرا كه بيست و پنچ سال است كه پشت و پهلو بر بستر استراحت ننهاده ام. آرى بندگان خدا اين گونه عمل مى كردند و اين چنين بود حال و رفتارشان (65).

## 70- از يمن دعاى شب و ورد سحرى بود (مرحوم شيخ حسنعلى نخودكى)

مرحوم حاج شيخ حسنعلى (رض) از دوازده تا پانزد سالگى، تمام سال، شبها را تا صبح بيدار مى ماندند و روزها همه روز، به جزء ايام محرمه، با ترك حيوانى روزه مى گرفتند و از پانزده سالگى تا پايان عمر پر بركتش، هر ساله سه ماه رجب و شعبان و رمضان و ايام البيض هر سال را صائم و روزه دار بودند و شب ها تا به صبح نمى آرميدند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر گنج سعادت كه خدا داد به حافظ  |  | ازيمن دعاى شب و ورد سحرى بود(66)  |

## 71- رفع تنگى معيشت دو نفر (مرحوم نخودكى)

دو تن از كسبه ى بازار مشهد براى من تعريف كردند كه: از تنگى معشيت سخت در مضيقه بوديم و براى رفع اين گرفتارى، به خدمت مرحوم شيخ حسنعلى اصفهانى شرفياب شديم. جماعتى در انتظار نوبت بودند و ما هم منتظر نشستيم. اما ناگهان، حضرت شيخ ما دو تن را از ميان آن گروه، به نزد خود طلبيدند و به يكى از ما فرمودند:

تو بايد كارى بكنى ولى نمى كنى و به ديگرى فرمود: تو كارى نبايد بكنى، انجام مى دهى ؛ برويد و به وظيفه خود عمل نمائيد تا وضع شما اصلاح شود. اعتراف مى كنيم كه يكى از ما نماز نمى گذارد و آن ديگر شراب مى نوشيد. به توصيه حاج شيخ وظائف خود را مراعات كرديم و در اثر آن، معشيت ما از تنگى به وسعت باز آمد. (67)

## 72- تهجد و شب زنده دارى (حضرت آيت الله طبرسى)

عالمان راستين كه وارثان به حق پيامبران عليه‌السلام مى باشند هيچ گاه از اين فضليت بزرگ شب زنده دارى و عبادت شبانه بى بهره نبوده اند.

مرحوم حضرت آيت الله طبرسى (رح) بنابر نقل فرزندان بزرگوار و دوستان و بستگان، به تهجد و نماز شب اهميت خاصى مى داد و غير از نماز شب به نوافل ديگر نيز اهتمام داشت. ايشان از باب تذكر به طلاب و روحانيون توصيه مى كرد كه: «از نوافل غفلت نكنيد كه اين مال اهل علم است. عوام فقط به واجب اكتفا مى كنند. » (68)

## 73- تنظيم ساعت از نماز امام (رض)

دقت امام خمينى (ره) به وقت نماز آن قدر چشمگير بود كه پليس هاى فرانسه در شهر كوچك «نوفل لوشاتو» از روى رفت و آمد ايشان براى نماز، ساعت شان را ميزان مى كردند. (69)

## 74- «قال» يا «حال» (ميرزا على آقا شيرازى)

هر وقت ميرزا على آقا شيرازى به قم مى آمد، علماى طراز اول قم با اصرار از او مى خواستند كه منبر برود و موعظه نمايد. منبرش بيش از آنكه «قال » باشد «حال » بود. از امامت جماعت پرهيز داشت.

سالى در ماه مبارك رمضان، با اصرار زياد او را وادار كردند كه اين يك ماهه در مدرسه «صدر اصفهان » اقامه نماز جماعت كند. با اين كه مرتب نمى آمد و قيد منظم آمدن سر ساعت معين را تحمل نمى كرد، جمعيت بى سابقه اى براى نماز جماعت شركت كردند. وقتى شنيد نماز جماعت مساجد اطراف خلوت شد، ايشان هم ديگر ادامه ندادند. (70)

## 75- بانگ نماز «رسول الله (ص »)

چون در مدينه ؛ اسلام قوت گرفت، و پنج نماز به جماعت مى كردند و زكات و روزه فرض شد و حكم حلال و حرام پيدا آمد؛ پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله خواست تا از وقت هاى نماز، نشانى پيدا كند تا مردم بدان جمع شوند و با صحابه در اين باب مشورت كرد.

جمعى گفتند: «بوق زنند. » و بعضى گفتند: «ناقوس زنند. »

پس رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود كه: «اين علامت يهود و نصارى است. »

جبرئيل آمد و تعليم كرد. بعد از آن، به بلال فرمود: تا بانگ نماز به گفت ؛ چه آواز او خوش تر بود. (71)

## 76- پيامبر براى پيرزن نماز ميت خواند.

پيرزن فقير و بينوايى مسجدى را كه حضرت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله در آنجا نماز مى خواند، جارو مى كشيد، اين پيرزن معمولا در يكى از گوشه هاى محوطه مسجد مى خوابيد و خوراك او را كسانى كه براى نماز جماعت مى آمدند، تهيه مى كردند. روزى پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد مسجد شد و زن جاروكش را نديد. پرسيد: «كجا رفته است؟»

جواب دادند: «اين زن، شب گذشته مرده و او را دفن كرده اند.

تصور نمى كرديم كه اين ارزش آن را داشته باشد كه

خبر مرگش را به شما بدهيم. » پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله از شنيدن اين خبر ناراحت شدند و آنها را توبيخ كردند، ايشان همراه جمعيت آمد و با همه همراهان روى قبر زن ايستاده و براى آمرزش اين پيرزن نماز ميت خواندند. (72)

## 77- از نافرمانى خدا شرم دارم

مردى را ديدند كه بر در مسجد ايستاده و نماز مى خواند، پرسيدند: چرا داخل مسجد نماز نمى خوانى؟

گفت: شرم دارم كه داخل خانه ى خدا شوم حال آن كه معصيت و نافرمانى او را كرده ام (73).

## 78- مناجات خمسه عشر در سجده (مرحوم ملامحمد برغانى)

مرحوم ملامحمد برغانى (رض) در حالى كه هنگام سحر در محراب عبادت مشغول خواندن مناجات «خمس عشره » در سجده بود به دست فرقه بابيه به شهادت رسيد. مكرر ديده مى شد كه اين شهيد بزرگوار در فصل زمستان، در حالى كه به شدت برف مى باريد به پشت بام مسجد مى رفت و مشغول تضرع و مناجات مى شد و با حالت ايستاده دست ها را به سوى آسمان بلند مى كرد، تا اين كه برف، سراسر قامت مباركش را سفيد پوش مى كرد (74).

## 79- نماز شب از سن تكليف (علامه مطهرى)

در شرح حال علامه مطهرى نوشته اند: او هميشه با وضو بود و به اين كار توصيه مى كرد، نسبت به انجام فرايض فرزندان خود را نظارت دقيق داشت، بعد از نماز مغرب و عشا سجده هاى طولانى به جا مى آورد و از سن تكليف به بعد، هيچ گاه نماز شبش ترك نشد (75).

## 80- مسجد سهله (شيخ آقا بزرگ)

علامه شيخ آقا بزرگ تهرانى (رح) شب چهارشنبه هر هفته، پياده از نجف به مسجد سهله در 10 كيلومترى نجف مى رفت و در آن جا به نماز و دعا و عبادت مى پرداخت. اين كار وى تامدتى پس از رسيدن به سن 80 سالگى همواره ادامه داشت (76).

## 81- سر ركوع و سجدتين

بزرگى گويد: ركوع دعوى بندگى است و سجده تين، دوگواه است بر آن (77).

## 82- نماز شب علامه مطهرى از زبان (مقام معظم رهبرى)

رهبر معظم انقلاب اسلامى حضرت آيت الله خامنه اى درباره شهيد مطهرى (رح) فرمود: اين مرد نيمه شب تهجد با آه و ناله داشت. يعنى نماز شب مى خواند و گريه مى كرد به طورى كه صداى گريه و مناجات او افراد را از خواب بيدار مى كرد... يك شب ايشان منزل ما بودند. البته اول ملتفت نشده بودند صداى كيست، اما بعد فهميدند كه صداى آقاى مطهرى است. بله ايشان نصف شب نماز شب مى خواند همراه با گريه، باصدايى كه از آن اتاق مى شد آن را شنيد (78).

## 83- راه طولانى، زاد و توشه اندك (ابن قاسم عاملى)

ابن قاسم عاملى نقل مى كند كه: يكى از علماى صالح هنگامى كه ثلثى از شب مى گذاشت به همسر خود مى گفت:

بر خيز تا با هم راه بپيماييم، چه آن كه كاروان رفت و راه طولانى و زاد و توشه ى ما اندك است. (79)

## 84- همه مقامات دينى از شب خيزى هاست (ملاحسينقلى همدانى)

عارف ربانى مرحوم ملاحسينقلى همدانى (رض) مى فرمود:

كسانى كه در مقامات دين به جايى رسيده اند، همه از شب خيزها بوده اند، از غير آن ها ديده نشده است (80).

## 85- سجده هاى طولانى (على بن مهزيار)

درباره «على بن مهزيار» نقل شده است كه: چون آفتاب طلوع مى كرد به سجده مى رفت و سر بر نمى داشت تا براى هزار نفر از برادران خود دعا مى كرد مثل آن چه براى خود دعا مى كرد و پيشانى او از بسيارى سجده مانند زانوى شتر پينه بسته بود (81).

## 86- الهى! (علامه حسن زاده)

الهى! از سجده كردن شرمسارم و از سر از سجده برداشتن شرمسارتر (82).

## 87- نماز حضرت آيت الله العظمى اراكى (رح)

مرحوم آيت الله العظمى اراكى (رح) تقيد خاصى به اقامه نماز جماعت داشت و با آن كه سن زيادى داشت در مدرسه فيضيه قم نماز جماعت را برگزار مى كرد، نماز ايشان به قدرى طول مى كشيد كه حتى طلاب جوان طاقت نمى آوردند.

وقتى از حضرتش خواسته شد براى رعايت حال مامومين نمازشان را مختصر و در حدى كه ضيعف ترين مامومين بر آن طاقت مى آورند اقامه كنند، با تواضع خاصى مى فرمودند: (من در بين اين مردم از خودم ضعيف تر سراغ ندارم كه نماز را در حد او مختصر كنم (83).

## 88- علت مد در الله (مرحوم سيد محمد باقر شفقتى)

حجت الاسلام سيد محمد باقر شفقتى (رح) وقت گفتن تكبيره الاحرام نماز كلمه مباركه (الله ) را (مد) مى داد، شاگردانش از او پرسيدند: در (الله) كه جاى مد نيست، چرا شما آن را مد مى دهيد؟

پاسخ داد: زمانى كه به جمله مباركه (الله اكبر) تكلم مى كنم از حالت اختيار بيرون مى روم و اين مد دادن اختيارى نيست (84).

## 89- مثل نماز از زبان رسول الله (ص)

مثل نماز مثل خيمه است، اگر ستون خيمه بر پا باشد طناب ها و ميخ ‌ها و پوشش خيمه نيز سودمند است و آن گاه كه ستون خيمه بشكند ميخ و طناب و پوشش خيمه سودى نخواهد داشت. (85)

## 90- سوره فاتحه (علامه حسن زاده آملى)

حضرت علامه حسن زاده آملى مى فرمايد: در عالم رويا به اين محروم گفتند: هر چه خواهى از سوره (فاتحه) بخواه. (86)

## 91- هديه نماز (مرحوم ميرزا جواد آقا تهرانى)

آيت الله ميرزا جواد آقا تهرانى (ره) در وصيت نامه شان توصيه فرموده بودند: (كه هركس خواست براى من هديه اى بفرستد، نماز هديه كند (87))

## 92- وضوى (ميرزا جواد آقا تهرانى)

يكى از فرزندان آيت الله ميرزا جوادآقا تهرانى درباره ايشان مى گويد: در موقع وضو گرفتن، با آب يك قورى معمولى دوبار و گاهى سه بار وضو مى گرفتند و از اسراف جدا پرهيز داشتند و آب وضويشان هم در ظرفى جمع مى شد و مى فرمودند: آن را در باغچه خانه بريزيد (88).

## 93- نماز (ميرزا آقا جواد تهرانى)

يكى از شاگردان ميرزا جواد آقا تهرانى مى گويد:

براى ديدار حضرت آيت الله العظمى اراكى (رح) به محضر ايشان رفته بودم، صحبت از ميرزا جواد آقا شد، آيت الله اراكى فرمودند:

«براى آقاى ميرزا در نماز خلع روح حاصل مى شد (89). »

## 94- تاخير نماز اول وقت و جريمه شخصى (شهيد ثانى)

شهيد ثانى (رح) مى گويد: يكى از بزرگان، نماز مغرب را از اول وقتش تاخير انداخت تا اين كه دو ستاره در آسمان ظاهر شد. دو برده در راه خدا آزاد كرد تا كفاره تاخير نماز اول وقت فضيلتش باشد (90).

## 95- سفارشات حضرت آيت الله نمازى شاهرودى براى تشرف امام عصر (عج)

حضرت آيت الله نمازى شاهرودى پس از نقل تشرفاتشان فرموده بود: «من فهميده ام كه براى توفيق و رسيدن به خيرات و مبرات و سعادت ها چند چيز خيلى با اهميت است:

اول: محبت اهل بيت عليه‌السلام. هر قدر مى توانيد محبت به خاندان عصمت و طهارت، محمد و آل محمد، اولاد و ذرارى آن ها را در دلتان بيشتر كنيد. هر خدمتى كه از دستتان بر مى آيد براى ذرارى زهرا سلام الله عليها انجام دهيد، محبت به اهل بيت عليه‌السلام را در قلب خود ممارست و مداومت كنيد.

دوم: قرآن خواندن، هر روز مقدارى بخوانيد، به هر اندازه كه مى توانيد قرآن بخوانيد.

سوم: نماز جماعت، را هرگز ترك نكنيد، درباره امام جماعت تحقيق كنيد، هر جايى كه نماز جماعت بر پا مى شود و امام جماعت مورد اعتماد است: شركت كنيد. نماز جماعت خيلى خيلى مفيد است، چه خودتان امام جماعت باشيد و چه ماموم.

چهارم: نماز شب را ترك نكنيد، از خدا بخواهيد كه به شما توفيق خواندن نماز شب را عطا كند، نماز شب آثار عجيبى دارد (91). »

## 96- انگشتر در دست چپ كراهت دارد (شيخ رجبعلى خياط)

عارف ربانى حاج شيخ رجب على خياط در برابر درخواست هاى مكرر ياران جهت تشرف به محضر مقدس حضرت ولى عصر (عج) سفارش هاى خاصى فرموده است كه از جمله مى توان به مورد زير اشاره كرد:

شبى يك صد بار آيه كريمه رب ادخلنى مدخل صدق و اخرجنى مخرج صدق و اجعل لى من لدنك سلطانا نصيرا در چهل شب قرائت شود.

يكى از كسانى كه اين سفارش را دريافت كرده و بر آن مداومت نموده است، پس از چهل روز نزد شيخ مى آيد و مى گويد موفق به زيارت حضرت نشده است. شيخ مى فرمايد: هنگامى كه در مسجد نماز مى خوانديد آقاى سيدى به شما فرمود: «انگشتر در دست چپ كراهت دارد».

و شما عرض كردى «كل مكروه جائز» ايشان امام زمان (عج) بودند (92).

## 97- گريه از فراق يار و بيم صحراى محشر (ميزار حبيب الله رشتى)

شب هاى نجف، مناجات دلداگان بسيارى را در خاطر دارد.

ميرزا حبيب الله رشتى، شب ها به ضيافت نور مى رفت ؛ از خوف خدا چنان مى گريست كه در و ديوار خانه محقرش، صداى سوزناك گريه اش را مى شنيد؛ گريه از فراق يار و بيم صحراى محشر. او كه راه پيماى بلنداى قله عرفان بود، انجام مستحبات را از سال هاى جوانى پيش گرفته و هماره اهتمامى وصف ناپذير در انجام آن داشت (93).

## 98- مدام در عبادت (ميرزا حبيب الله رشتى)

نوشته اند: «ميرزا حبيب الله رشتى (رح) مدام در عبادت بود. بسيار نماز مى خواند و بسيار روزه مى گرفت. حتى در مسافرت نيز از عبادت خود نمى كاست. او در تمام ساعات حتى هنگام خروج از منزل براى تدريس، يا زيارت بارگاه معصومين عليه‌السلام، سواره و پياده، نماز نافله مى خواند و تسبيح مى گفت و قرآن تلاوت مى كرد و هميشه وضو داشت (94).

## شيوه حل مشكلات علمى (بوعلى سينا)

هر گاه «بوعلى سينا» در مسائل علمى به مشكلى بر مى خورد، وضو مى گرفت و به مسجد مى رفت و نماز مى خواند و از خدا مى خواست كه آن مساله مشكل را براى او آسان گرداند (95).

## جشن تكليف (سيد بن طاووس)

مردم، گروه گروه به طرف منزل (سيد بن طاووس) مى رفتند، كوچه ها شلوغ بود و شاگردان سيد نمى دانستند كه اين جشن، به چه مناسبتى برگزار مى شود. هر كدام در ذهن خود گمانى مى داشت، اما از آن مطمئن نبود؛ يكى مى گفت لابد «عيد» است و ما نمى دانيم آن ديگرى مناسبت ديگرى را حدس مى زد. اما همگى سيد را خوب مى شناختند و مى دانستند كه حتما آن جشن مناسبتى دارد. منزل سيد از جمعيت موج مى زد، ذكر صلوات و قرائت شعر در مدح ائمه عليه‌السلام فضاى خانه را پر كرده بود و در اين ميان تنها سيد بود كه مى دانست آن جشن براى چيست؟

سكوت سيد طاقت شاگردان را طاق كرده بود، سرانجام يكى از آنان پرسيد: اگر مناسبت جشن را بدانيم، بيشتر خوشحال خواهيم شد.

تبسم شيرينى بر چهره سيد نقش بست و گفت:

امروز يكى از بهترين روزهاى عمر من است. چندين سال پيش، در چنين روزى من به سن تكليف رسيدم و لياقت آن را پيدا كردم كه مورد خطاب خداوند رحمان باشم و به اداى تكليف الهى بپردازم، از اين جهت، من هر سال اين روز را جشن مى گيرم (96).

## 101- نمازت را بخوان (لطيفه)

گويند: در جلسه اى، يكى از شعراى معاصر را تكليف كردند تا شعرى بخواند. شاعر نيز به رسم معمول شعرا، تاملى كرد و گفت: نمى دانم چه بخوانم كه تا به حال آن را نخوانده باشم.

ظريفى گفت: نمازت را بخوان (97).

## 102- از ترس ريا در منزل شيخ بهايى نماز نخواندم (عبدالله شوشترى)

روزى مولا (عبدالله شوشترى) براى ديدن شيخ بهايى به منزل او آمد ساعتى نشست تا اذان گفتند و موقع نماز شد. شيخ بهايى از مولا درخواست كرد كه نماز را همين جا بخوانيد تا ما هم با شما نماز خوانده و به فيض جماعت نايل شويم، مولا عبدالله مقدارى فكر كرد و بعد از آن پاسخى نگفت و به منزل خود بازگشت. بعضى از دوستان راجع به اين جريان سوال كردند كه شما با اهتمام و اهميتى كه به نماز اول وقت مى دهيد پس چرا در منزل شيخ، نماز نخوانديد؟

او گفت: هر چه فكر كردم ديدم در صورتى كه مثل شيخ بهايى پشت سر من نماز بخواند در نفسم يك تغييرى حاصل مى شود، اين بود كه از ترس ريا در منزل او، نماز نخواندم (98).

## 103- تعطيل شدن حوزه ى درس امام صادق عليه‌السلام هنگام نماز

امام صادق عليه‌السلام به يكى از شاگردان خويش به نام (مفضل بن عمر)، توحيد تدريس مى كردند. مدت اين درس، در هفته چهار روز و ساعت درس از صبح تا نيم روز بود. امام عليه‌السلام هر روز چون وقت نماز فرا مى رسيد، درس را قطع مى كردند و براى نماز بر مى خاستند. (99)

## 104- خشوع قلب و اندام (حضرت على عليه‌السلام

على عليه‌السلام مى گويد: «پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله مردى را ديد كه در نماز، با محاسن خود بازى مى كند، فرمود اگر قلب خاشع مى بود، اعضا و اندام او نيز چنين بودند (100).

## 105- راز دار خلوت نشين

## توصيه عبادى و اخلاقى حضرت آيت الله شيخ ابوالقاسم رحمانى مازندرانى

حضرت آيت الله رحمانى تمامى توفيقات را در خواندن نماز اول وقت و تعقيبات آن، مخصوصا نوافل مى دانست و تهجد و شب زنده دارى در نزد او داراى جايگاهى ويژه بود به طورى از سن 12 سالگى نماز شبش ترك نمى شد. خوشا به حال اين ستاره ى پر نور شبهاى تار ظلمانى كه مصداق كامل آيه هاى 18 و 17 ذاريات مى باشد.

كانوا قليلا من الليل ما يهجعون \*\*\* و بالاسحارهم يستغفرون

شب ها اندك مى خفتند و سحرگاهان آمرزش مى خواستند.

از فرزندش آقاى احمد رحمانى درباره ى روح عبادى اين مرد الهى سوال شد. ايشان كتابچه ى دعاى پدرشان را كه به يادگار مانده بود، آوردند.

در صفحه اول كتاب دعا با دست خط معظم له يك دستور عمل درباره كيفيت زيارت عاشورا نوشته شده بود كه فرمود:

بايد زيارت عاشورا زير آسمان در فضاى باز خوانده شود و قبل از زيارت تاكيد فراوان داشت كه اول زيارت امين الله حضرت امير عليه‌السلام خوانده شود و اين زيارت احسن است. بعد صد مرتبه تكبير (يعنى الله اكبر) گفته شود و بعد از آن زيارت عاشورا معروفه را با همان صد لعن و صد سلام و دو ركعت نماز و در پايان دعاى صفوان (دعاى علقمه) خوانده شود.

از جمله خصوصيات بارز اين مرد پارسا و الهى ؛ علاقه مندى شديد ايشان به خاندان عصمت و طهارت بود به طورى كه در اغلب اعياد مذهبى و وفيات مجالس ذكر توسل در منزل بر پا مى نمود و روحانيون و دوستان به خواندن مرثيه يا مصيبت و مقتل مبادرت مى كردند. (101)

## 106- شيعه شدن زن انگليسى به بركت نماز امام حسين عليه‌السلام

جناب حجت الاسلام اعتماديان نقل كردند كه روز عصر عاشورا جمعيتى حدود هزار نفر از كشورهاى گوناگون سينه زنان به سوى مجمع اسلامى حضرت آيت الله العظمى گلپايگانى (در انگليس) حركت مى كنند. عزادارى و نحوه گريستن آن ها مورد توجه بسيارى از مردم انگليس و ساير توريست ها مى شود.

يك سال به آن كشور جهت تبليغ رفتم. پس از حضور در ميان جمع عزاداران و گذشتن از ميان خيابان ها، وقتى با آنان وارد مجمع شديم ناگهان خبر آوردند خانمى انگليسى با وضع ظاهرى نامناسب به اصرار هرچه تمام تر خواستار ملاقات با مسئول مجمع جناب حجت الاسلام عالمى است. پس از قدرى شور و مشورت به ناچار به اتفاق ايشان به نزد آن زن رفتيم. او در حالى كه برو شورى كه شما به هنگام عزادارى در خيابان پخش ‍ كرديد، نوشته ايد، امام حسين عليه‌السلام در روز عاشورا نماز گذارد، من نيز مى خواهم نماز بخوانم! من از فساد و تباهى اين جا خسته شده ام و احساس مى كنم مطلوب من در نماز خواندن است.

پس لطف كنيد نماز خواندن را همان طور كه امام حسين عليه‌السلام روز عاشورا نماز گذارد، به من ياد دهيد تا بخوانم. با تعجب و حيرت به او گفتم.

نماز خواندن براى شما مقدور نيست! زيرا نماز داراى شرايط خاصى است كه هر كس با هر عقيده اى نمى تواند آن را به جا آورد.

او معترضانه گفت: مگر خداى من با خداى امام حسين عليه‌السلام تفاوت دارد كه من نمى توانم نماز او را بخوانم؟

به او گفتيم: امام حسين عليه‌السلام امام شيعيان بود، تو بايد مسلمان و شيعه شوى، تا بتوانى چنين نمازى بخوانى و لازمه نماز خواندن، حجاب دار شدن است.

او بلافاصله لباس را طلبيد و همان هنگام كه عصر روز عاشورا بود به بركت نمازگزاردن امام حسين عليه‌السلام به مذهب شيعه گرويد، آن گاه به تلقين ما همان جا نماز را خواند و بالاخره يكى از زنان صالح آن كشور شد و گاه و بى گاه براى پرسش از مسائل شرعى در آن مجمع حاضر مى شد (102).

## 107- نتيجه روضه خواندن (آيت الله مرعشى نجفى)

حضرت حجت الاسلام و المسلمين آقاى محمود مرعشى نجفى فرزند مرحوم حضرت آيت الله مرعشى نجفى (رح) نقل كردند كه يك روز به والد مرحوم عرض كردم: يكى از خاطرات زندگى خود را برايم تعريف كنيد فرمود: در زمان سابق كه قم به اين صورت وسعت نداشت و وسيله نقليه هم مثل امروز نبود، يك شب مرا به مجلس عقد دعوت كردند. پس از انجام عقد كه در محله (چوب شور) بود من تنها به سوى منزل مى آمدم در حالى كه كوچه ها پر برف و خلوت بود ناگهان در سر يك كوچه مردى كه مست بود راه را بر من بست و گفت:

سيد بايد يك روضه در اين مكان برايم بخوانى! من گفتم: روضه را بايد روى صندلى خواند اين جا كه صندلى نيست يك مرتبه خم شد و گفت: اين هم صندلى، بنشين روضه را بخوان و بهانه نياور! من ناچار روى پشت او نشسته روضه اى خواندم. سپس گفت: من بايد تو را به منزلت برسانم، همراه من تا درب منزل آمد، آن وقت مرا شناخت. پس از آن توبه كرده و از كارهاى نامشروع دست كشيد و يك نفر مومن متعبد و متقى شد به طورى كه دائما در صف اول نماز جماعت حاضر مى شد.

اين از بركت (سفينه النجاه) حضرت سيد الشهداء عليه‌السلام بود. از بعضى دوستان كه آن مرد را مى شناختند شنيدم كه او را آقاى شتردار مى گفتند (103))

## 108- اهميت نماز عصر (رسول الله (صلى‌الله‌عليه‌وآله))

زمان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله بود، زنى در غياب شوهرش زنا كرد، ولى پس از اين عمل زشت، پشيمان شده، سخت ناراحت شد، در حالى كه بسيار پريشان بود، در يكى از كوچه هاى مدينه مى گذشت و فرياد مى زد: (مرا به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله راهنمايى كنيد) پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله او را ديد، و از او پرسيد:

##  (چرا پريشان هستى و فرياد مى زنى؟!)

او عرض كرد: در غيات شوهرم، زنا كرده ام، پس از مدتى داراى فرزند شدم، پس از تولد، او را در ميان سركه داخل خمره گذاردم و سپس آن سركه را فروختم (سه گناه بزرگ مرتكب شده ام: 1 زناكرده ام 2 - كودك را كشته ام 3- سركه آن چنانى را فروخته ام (آيا توبه ام پذيرفته است؟!.

پيامبر (ص) فرمود: زنا كردى بايد سنگسار شوى (104) مرتكب قتل كودك شده اى كه كيفرش، دوزخ است، سركه آن چنانى را فروخته اى و در نتيجه، گناه بزرگى كرده اى، «ولى گمانم آن است كه نماز عصر را ترك كرده اى (105) و به خاطر ترك نماز عصر و سهل انگارى در نماز، آن گونه منحرف شده اى كه به چنين گناه بزرگى آلوده شده اى (106).

## 109- معنى صحيح «الله اكبر» (امام جعفر صادق عليه‌السلام

معمولا وقتى از افراد سوال مى شود معنى «الله اكبر» چيست؟ در پاسخ گويند يعنى «خدا از همه چيز بزرگ تر است. »

ولى اين معنى غلط است اينك به داستان زير توجه كنيد:

جميع بن عمير گويد: در محضر امام صادق عليه‌السلام بودم، آن حضرت از من پرسيد جمله (الله اكبر) يعنى چه؟

عرض كردم: يعنى «خدا بر همه بزرگ تر است. »

فرمود: مطابق اين معنى، خدا را چيزى تصور كردى و سپس مقايسه با ساير چيزها نمودى، و او را بزرگتر از آن چيزها تصور نموده اى (اين تشبيه است. )

عرض كردم «پس معنى الله اكبر چيست؟

فرمود: معنايش اين است كه: الله اكبر ان يوصف:

يعنى (خداوند بزرگ تر از آن است كه توصيف گردد»

به عبارت روشن تر ذات پاك خدا را محدود نكن به اين كه: او در طرفى و ساير مخلوقات را در طرف ديگر قرار دهى، و بگويى او از همه بزرگ تر است، در نتيجه مرتكب تشبيه گردى (107).

## 110- چهار نمازگزار عيبجو (لطيفه)

چهار نفر براى نماز به مسجد رفتند، و مشغول نماز شدند، در اين هنگام موذن مسجد، وارد مسجد شد، يكى از آن ها در نماز به او گفت:

اى موذن آيا وقت شده بود كه اذان گفتى؟

دومى گفت:

آهاى! در نماز سخن گفتى و نمازت باطل شد.

سومى به دومى گفت:

طعنه مزن، خودت نيز در نماز سخن گفتى و نمازت باطل شد.

چهارمى گفت:

شكر خدا كه من در نماز، حرف نزدم.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آن چهارم گفت الحمدلله كه من  |  | در نيفتادم به چه، چون آن سه تن  |

نماز هر چهار نفر به اين ترتيب باطل شد.

پس اى برادر، غافل مباش! كه عيب گوئى، چه بسا موجب گمراهى خود انسان مى شود، و عيب جوها بيشتر در راه گم مى افتند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| پس نماز هر چهاران شد تباه  |  | عيب گويان، بيشتر گم كرده راه (108)  |

## 111- دين بى خير (رسول اكرم (صلى‌الله‌عليه‌وآله))

سال نهم هجرت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله در مدينه بود، مردم، گروه گروه به مدينه آمده و در محضر آن حضرت، مسلمان مى شدند، از جمله گروهى از طائفه ثقيف (ساكن طائف) آمدند، پس از گفتگو، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به آن ها فرمود:

«يكى از دستورات اسلام نماز است » نماز بخوانيد، آن ها گفتند ما خم نمى شويم زيرا اين كار براى ما يك نوع ننگ و عار است.

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: لاخير فى دين ليس فيه ركوع و لاسجود

«دينى كه در آن ركوع و سجده نباشد، خيرى در آن نيست »

به نقل بعضى از مفسران: آيه 48 سوره مرسلات در رد پيشنهاد آن ها با اين تعبير نازل شد: و اذا قيل لهم اركعوا لايركعون

«و چون به آن ها گويند ركوع كنيد، ركوع نكنند (109). »

## 112- معنى سبحان الله (حضرت على عليه‌السلام)

شخصى از عمربن خطاب پرسيد: تفسير كلمه «سبحان الله » چيست؟

عمر گفت: در اين باغ (اشاره به باغى كه در آن جا بود) مردى هست كه وقتى سوال كنى، پاسخ مى دهد، و وقتى سكوت كنى، آغاز به سخن (در راه آموزش) مى نمايد، آن شخص، به باغ رفت و ديد حضرت على عليه‌السلام در باغ مشغول كار است، به حضورش رفت و عرض كرد: (معنى سبحان الله) چيست؟

على عليه‌السلام فرمود: سبحان الله، تعظيم مقام بلند و با عظمت خدا است، و منزه دانستن خدا است از آن چه كه مشركان مى پندارند، و وقتى كه بنده اى اين كلمه را مى گويد، همه فرشتگان بر او درود مى فرستند (110).

## 113- امام حسين عليه‌السلام و مناجات

شخصى از امام سجاد عليه‌السلام پرسيد: چرا پدر تو امام حسين عليه‌السلام فرزندان اندك داشت؟ امام سجاد عليه‌السلام فرمود: همين قدر كه داشت، تعجب آور بود، زيرا پدرم در هر شبانه روزى هزار ركعت نماز مى گذارد، بنابر اين، كى براى آميزش با زنان، فراغت مى يافت؟!

و در شب عاشورا حسين عليه‌السلام و يارانش تا صبح مناجات و ناله مى كردند، و زمزمه ناله آن ها هم چون آواى بال زنبور عسل، شنيده مى شد، جمعى در ركوع و جمعى در سجده، و گروهى ايستاده و بعضى نشسته مشغول عبادت بودند. و در آن شب سى و دو نفر از سپاه عمر سعد كه گذارشان به خيمه هاى حسين عليه‌السلام افتاد، به آن حضرت پيوستند (111) و از مناجات امام حسين عليه‌السلام در لحظات آخر عمراست:

«بر تقدير تو صبر مى كنم اى پروردگار من، معبودى جز تو نيست اى پناه پناه آورندگان (112) »

## 114- سه مسلمان در همه دنيا (عفيف كندى)

عفيف كندى نقل مى كند، در دوران جاهليت (در آغاز بعثت) براى خريدن لباس و عطر براى خانواده ام به مكه مسافرت كردم، و با عباس بن عبدالمطلب (عموى پيامبر (صلى‌الله‌عليه‌وآله)) كه فروشنده كالاها و لوازم زندگى بود، ملاقات كردم و در نزد او بودم و به كعبه نگاه مى كردم، در حالى كه خورشيد به وسط آسمان رسيده و ظهر بود (و هوا بسيار گرم بود) ناگهان ديدم جوانى آمد و به آسمان نگاه كرد و سپس روبروى كعبه ايستاد (و مشغول نماز شد) چند لحظه بعد ديدم نوجوانى آمد و در طرف راست او ايستاد، و سپس چند لحظه نگذشت كه بانوئى را ديدم آمد و پشت سر آن دو نفر به نماز ايستاد، ديدم آن جوان به ركوع و سپس به سجده رفت، و آن نوجوان و زن نيز ركوع و سجده به جا آوردند.

به عباس گفتم: «موضوع بزرگ و عجيبى مى بينم »

گفت: آرى، امر عظيمى است، آيا مى دانى اين جوان و آن نوجوان، و آن زن كيستند؟ گفتم: نه.

گفت: «آن جوان محمد بن عبدالله (صلى‌الله‌عليه‌وآله) است، و اين نوجوان، على عليه‌السلام است و آن زن خديجه مى باشد، و پسر برادرم (محمد - صلى‌الله‌عليه‌وآله) مى گويد:

خداوند خالق، به اين دين و روش فرمان داده است، سوگند به خدا در همه روى زمين غير از اين سه نفر در اين دين (اسلام) نيافته ام (113).

## 115- قضاى سى سال نماز (يكى از اهل مسجد)

شخصى اهل مسجد و نماز بود، نماز جماعتش ترك نمى شد، به قدرى مقيد بود كه زودتر از ديگران به مسجد مى آمد و در صف اول جماعت قرار مى گرفت و آخرين نفرى بود كه از مسجد بيرون مى رفت، روشن است كه چنين انسانى، بايد فردى خدا ترس و متدين باشد، يكى از روزها امورى باعث شد كه اندكى دير به مسجد رسيد، ديد در صف اول نماز جماعت جا نيست مجبور شد در صف آخر قرار بگيرد، ولى پيش خود خجالت مى كشيد و آثار شرمندگى از چهره اش پديدار شد، با خود مى گفت چرا در صف آخر قرار گرفتم...

ناگهان به خود آمد كه اين چه فكر باطلى است كه بر من چهره شده است؟ اگر خلوص باشد كه روح عبادت است، صف اول و آخر ندارد، به خود گفت: عجب! معلوم مى شود سى سال نماز تو آلوده ى به ريا بوده، و گرنه نمى بايست صف آخر، شائبه اى در دل تو ايجاد كند.

اين فكر، نورى در قلبش به وجود آورد، كه بايد چاره جوئى كرد، و تادير نشده غول ريا را از كشور تن بيرون نمود، به سوى خدا پناه برد، و از شر شيطان به پناه الهى رفت، با صبر و حوصله، توبه حقيقى كرد و خود را اصلاح نمود، و تصميم گرفت كه تمام نمازهاى سى ساله اش را قضا كند، زيرا دريافت كه در صف اول بوده، و در آن ها شائبه ريا وجود داشته، آرى از خواب غفلت بيدار گشت و با همتى قوى روح و روان خود را با آب توبه حقيقى شستشو داد و نمازهاى سى ساله اش را قضا نمود (114).

## 116- مناجات ملاصدرا (هانرى كربن فرانسوى)

هانرى كربن فرانسوى درباره مناجات ملاصدرا مى گويد: ملاصدرا مدت يك ساعت بدين ترتيب مناجات كرد و از بيم آن كه ايمانش به خداوند متزلزل شود به گريه در آمد و بعد از قدرى گريستن از اتاق بيرون رفت و كنار حوض خانه وضو گرفت و برگشت و به نماز ايستاد. آن شب، ملاصدرا از بيم آن كه ايمانش دچار تزلزل شود، تا صبح نماز نافله خواند (115).

## 117- حاضرم تمامى نمازهايم را با آن آه عوض كنم

مردى وارد مسجد شد و ديد تكبير مى گويند.

پرسيد: نماز چندم است؟

يكى جواب داد تمام شد.

گفت: آه

مردى از جمع برخواست و گفت:

حاضرم تمامى نمازهايم را با آن (آه) تو عوض كنم.

## 118- نماز اول وقت (حضرت آيت الله العظمى صالحى مازندرانى)

مرجع عاليقدر براى نماز اول وقت اهميت زيادى قائل بودند. به همين جهت قبل از فرا رسيدن اوقات نماز، لحظاتى به انتظار مى نشستند.

يكى از نزديكان و شاگردان فقيه عاليقدر مى گويد:

«آقا در مراسمى كه به مناسب اربعين درگذشت يكى از بستگان، در خطه مازندران برگزار شده بود، شركت كردند. مقارن ظهر بود كه مجلس به پايان رسيد و مردم آماده پذيرايى بودند، اما مرجع عاليقدر بلافاصله مجلس را ترك كرده و به منزل يكى از اقوام كه نزديك بود، تشريف بردند و در آن جا با جمع حاضر بودند، نماز خواندند. بعد از نماز، مجددا به مجلس باز گشتند.

گفتنى است كه آقا به رسومات مردم اهميت مى دادند و تا آن جا كه امكان داشت براى اين مسائل احترام قائل بودند، چون در آن منطقه رسم بر اين بود كه بعد از پايان مراسم، فورا پذيرايى انجام شود (به خاطر اين كه افراد زيادى از مناطق دور آمده و به لحاظ كمبود وسيله نقليه، بعد از مراسم به سرعت باز مى گردند)، آن مرجع عظيم الشان نيز نخواستند با انجام نماز جماعت در همان مكان، موجبات مشقت و ناراحتى مردم را فراهم كرده باشند، و از طرفى خودشان به نماز اول وقتشان هم رسيدند، و با اين كار بين دو وظيفه، جمع كردند (116). »

## 119- سفارش به نماز اول وقت (شيخ محمد مجتهد)

در احوالات حضرت آيت الله شيخ محمد فارابى خانقاهى سوادكوهى (مشهور به شيخ محمد مجتهد) مى گويند:

شيخ در عبادت و صفاى باطن و تضرع و زارى به درگاه خداى سبحان و تهجد و نماز شب و مناجات، و نماز اول وقت زبان زد خاص و عام بود و مى فرمود: «حضرت مهدى (عج) به يكى از مشتاقان ديدارش به نام (زهرى) كه به زيارت آن حضرت موفق شده بود، دوبار فرمود: از رحمت خدا دور است كسى كه نماز صبح را چندان تاخير بيندازد تا ستاره ها ناپديد شوند، و نماز مغرب را به قدرى تاخير بيندازد تا ستاره ها ظاهر شوند (117)با ذكر اين حديث هميشه شاگردان و اطرافيانش را به نماز اول وقت و اهميت آن سفارش مى نمود. و هم چنين سحرخيزى و گريه و مناجات در خلوت سحرگاه و دورى گزيدن از اهل دنيا و هواپرستى، و ساده زيستى از جمله اولياى خدابود (118).

## 120- يك منبر مخصوص نماز (آيت الله العظمى اراكى)

(حضرت آيت الله العظمى اراكى) يك روز چند نفر از وعاظ را جمع كرد و گفت: خدا يك نعمت بزرگى به شما داده است. و آن نعمت طلاقت لسان و فصاحت كلام است.

و اين را خدا به شما مرحمت كرده است كه مى توانيد اين منبرهاى عجيب و غريب را تحويل مردم دهيد. خوب است يك منبر را مخصوص نماز كنيد، چون نماز در انظار مردم خيلى خفيف شده است، و مردم با نظر كوچكى به آن نگاه مى كنند. با اين قدرتى كه خدا به شما داده است، مى توانيد اين را خيلى بزرگ كنيد.

اصرار كرد كه در خصوص نماز يك يا دو منبر برويد و نماز را در ذهن

مردم بزرگ كنيد و از اين كوچكى كه براى نماز پيدا شده، نجاتش ‍ دهيد (119).

## 121- قبله كدام طرف هست (لطيفه)

شخصى خواست در خانه اى نماز بخواند، از صاحب خانه پرسيد قبله كدام طرف است؟ صاحب خانه در جواب گفت من هنوز دو سال بيشتر نيست كه در اين خانه ام ؛ كجا مى دانم قبله كدام طرف است؟!

## 122- تو بخوان تا من هم بخوانم (لطيفه)

شخصى نزد عالمى رفت و از همسرش شكايت كرد كه نماز نمى خواند آن عالم فرمود:

او را از عذاب الهى به ترسان و بگو كه خداوند انواع عذاب ها را براى گنه كاران و بى نمازان مقرر كرده.

گفت خيلى از جهنم گفته ام قبول نمى كند.

عالم فرمود: از نعمت هاى بهشت برايش تعريف كن شايد به طمع بهشت نماز بخواند.

گفت آقا خيلى گفته ام ولى نمى پذيرد.

عالم فرمود:

دليلش چيست چرا نمى خواند؟

گفت ؛ همسرم به من مى گويد:

تو بخوان تا من هم بخوانم.

## 123- نماز سحرگاهان (ابن جنيد)

سعيد بن محمد بن جنيد، معروف به ابن جنيد از عرفاى طراز اول قرن سوم به شمار مى آمد، كه به سال 297 هجرى قمرى در بغداد درگذشت، وى استاد ماهر و دانشمندى ناطق و زبردست بود، ولى در سلك صوفيان به شمار مى رفت. بعضى از علماى بزرگ، آن زمان به نام جعفر خالدى مى گويد: در عالم خواب ابن جنيد را ديده ام، و به او گفتم:

خداوند با تو چگونه رفتار كرد؟! در پاسخ گفت: همه اين اشارات و عبارات و رسوم و علوم كه داشتم، از بين رفت و مانفعنا الاركعات كنا نركعها فى الاسحار يعنى: جز چند ركعت نمازى كه در سحرگاهان مى خواندم، چيزى به حالم، سود نبخشيد (120).

## 124- تعجيل در نماز، ياتاخير؟ (حسن بصرى)

حسن بصرى را گفتند: نماز نمى خوانى؟ بازاريان نمازشان را بخواندند. گفت: بازاريان هر گاه كارشان سود دهد. نماز به تاخير اندازند و هر وقت كسادى حاصل شود در آن تعجيل كنند (121)؟

## 125- نماز اول وقت (مقام معظم رهبرى)

شهيد امير سپهبد، على صياد شيرازى درباره اهميت نماز اول وقت رهبر عزيز مى فرمايد: هنوز 24 ساعت از انتخاب آيت الله خامنه اى به رهبرى انقلاب اسلامى نگذشته بود كه به من وقت دادند به صورت خصوصى، بيست دقيقه قبل از ساعت دوازده، در دفترشان با ايشان ملاقات كنم. من كمى زودتر رفتم. وضو گرفته بودم تا براى نماز اول وقت آماده باشم. پنچ دقيقه به اذان ظهر بود، ديدم سجاده آقا پهن كردند.

همين كه موقع نماز شد، مقام معظم رهبرى به سمت سجاده رفتند و نماز اول وقت را با همان حالى كه در زمان امام راحل (رح) پشت سر ايشان اقامه مى كرديم ؛ به جماعت خوانديم.

من در آن روز، همان اعتقاد عميق حضرت امام نسبت به اقامه نماز اول وقت را در سيره مقام معظم رهبرى ديدم.

## 126- با فرياد بلند اذان بگويد (شهيد نواب صفوى)

شهيد نواب صفوى به ياران خود دستور داده بود هنگام ظهر و مغرب هر كجا بوديد با فرياد بلند، اذان بگوئيد!

همين اذان ها وحشتى در دل مامورين نظام به وجود آورده بود (122).

## 127- معراج نماز فاطمه (س)

امام ششم عليه‌السلام مى فرمود:

آن گاه كه فاطمه (س) به معراج نماز مى رفت، نورش بر آسمانيان مى درخشيد؛ هم چون اختران كه بر چهره زمينيان نور مى پراكنند (123).

## 128- شب زنده دارى (مقام معظم رهبرى)

هفته نامه پرتو سخن، به نقل از سردار محمد شيرازى مى نويسد:

يكى از ويژگى هاى مقام معظم رهبرى، شب زنده دارى است. در زمان رياست جمهورى نيز، اين خصوصيت در پهنه زندگى آقا، حيات معظم له را نورانيت خاصى بخشيده بود.

در همان دوران، مقام معظم رهبرى سفرى به سوريه داشتند. در صبح يكى از روزهاى سفر، حدود ساعت ده كه جلسه اى با رئيس جمهورى سوريه داشتند، حافظ اسد رو به ايشان مى كند و مى پرسد: ديشب كه خوب خوابيديد؟ كه مقام معظم رهبرى فرمودند:

- «من هفت ساعت است كه بيدارم (124)؟

## 129- وقت نماز شد گزارش را قطع كنيد (مقام معظم رهبرى)

سردار شوشترى نقل مى گويد: زمانى كه در قرارگاه عمليات والفجر 10 بوديم ؛ داشتيم گزارش مى داديم يك مرتبه آقا فرمودند: وقت نماز شده، گزارش را قطع كنيد و آماده نماز شويد. حالا ما گرم گزارش دادن بوديم، آقا فرمودند: اول نماز بخوانيم، بعد گزارش را ادامه بدهيد.

## 130- ما اگر كارى مى كنيم براى نماز است (مقام معظم رهبرى)

سردار شوشترى درباره اهميت نماز اول وقت مقام معظم رهبرى مى گويد: «در بعضى جلسات ما، شهيد بهشتى اصلا به ما نمى گفت كه وقت نماز است، بلكه بلند مى شد و آماده نماز مى شد. ما اگر كارى مى كنيم براى نماز است (125). »

## 131- نمازهاى پنچگانه و ريزش گناهان (پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله)

در حضور سلمان فارسى، زير درختى نشسته بودم كه يك باره ديدم او شاخه خشكى را گرفت و به قدرى آن را تكان داد كه همه برگ هايش فرو ريخت. آن گاه رو به من كرد و گفت.

«ابوعثمان! نپرسيدى چرا اين كار را كردم؟»

- خوب حالا مى پرسم! راستى از اين كار چه بود؟

سلمان سرش را تكان داد و گفت:

«اين درست همان كارى بود كه يك بار، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آن را انجام داد. يادم مى آيد همين طور زير يك درخت نشسته بوديم، كه پيامبرخدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: سلمان! نپرسيدى چرا اين شاخه را اين طور تكان دادم... عرض كردم: «بفرماييد چرا؟»

آن بزرگوار فرمودند: هنگامى كه مسلمان وضو بگيرد و خوب وضو بگيرد، آن گاه نمازهاى پنجگانه را به جا آورد، گناهانش فرو مى ريزد؛ همان طور كه برگ هاى اين شاخه فرو ريخت »

سپس پيامبر گرامى صلى‌الله‌عليه‌وآله آيه صد و چهاردهم سوره هود «واقم الصلوه طرفى النهار... » را تلاوت فرمودند (126)

## 132- حق نماز در كلام امام سجاد عليه‌السلام

و حق نماز اين است كه بدانى، آن هجرت است به سوى خداى عزوجل، و تو در حال نماز، در مقابل خداى گران قدر و شكوهمند ايستاده اى، هنگامى كه اين را دانستى، در جايگاه بنده خوار كوچك مشتاق نگران اميدوار ترسان بى چاره اى قرار مى گيرى كه، آن را در برابرش ايستاده اى، بزرگ دانسته، و با آرامش و هيبت، عظمت او را پاس مى دارى، و با قلبت به نماز روى آورده، را با تمام حد و مرزها و حقوق لازم بر پا مى دارى. (127)

## 133- توجه و حضور قلب در نماز (حضرت امامراحل)

حضرت امام خمينى (رض) در كتاب چهل حديث شريفش درباره توجه و حضور قلب در نماز مى فرمايد:

حضرت امام باقر عليه‌السلام و امام صادق عليه‌السلام به فضيل بن يسار فرمودند:

نيست از براى تو از نمازت مگر آن چه توجه قلب كردى به آن از نماز؛ پس ‍ اگر غلط به جا آورد تمام آن را، يا غافل شود از آداب آن، پيچيده شود و به آن زده بشود به روى صاحبش (128).

## 134- نماز امام سجاد عليه‌السلام و نافله ها

ابوحمزه ثمالى گفت: ديدم حضرت سجاد عليه‌السلام، را كه نماز مى خواند؛ پس عباى آن حضرت افتاد، حضرت راست نفرمود عبا را تا از نماز فارغ شد. از آن بزرگوار سوال كردم، فرمود: «واى به تو! آيا مى دانى در حضور كى بودم. همانا از بنده قبول نمى شود نمازى مگر آنچه را توجه قلب كرده از آن. » عرض كردم: «فدايت شوم، هلاك شديم ما!

فرمود: هرگز، همانا خداوند تمام مى فرمايد آنرا براى مومنين به واسطه نافله ها. » (129)

## 135- مثل كسى كه با نماز وداع كند نماز بخوانيد (امام جعفر صادق عليه‌السلام)

امام صادق عليه‌السلام به عبدالله بن ابى يعفور فرمود: «اى عبدالله وقتى كه مشغول نماز مى شوى، مثل كسى كه وداع كند با نماز و ترس آن دارد كه ديگر به آن نرسد نماز بخوان ؛ پس از آن چشمت را بدوز به موضع سجودت. تو اگر بدانى كسى در راست و چپت هست نمازت را نيكو به جا مى آورى، بدان كه تو پيش روى كسى ايستادى كه او تو را مى بيند و تو او را نمى بينى. » (130)

## 136- نماز در حالت كسالت و چرت زدن ممنوع (حضرت على عليه‌السلام)

حضرت امير المؤ منين على عليه‌السلام مى فرمايد:

«نايستد در نماز البته هيچ يك از شما در حال كسالت و نه در حال چرت زدن، و انديشه نكند البته در پيش نفس خود؛ زيرا كه او در محضر پروردگار است. و جز اين نيست كه از براى بنده از نمازش آن چيزى است كه توجه كرده است به آن چيز به قلب خويش از نمازش. » (131)

## 137- دو ركعت نماز با توجه و آمرزش گناهان (امام جعفر صادق عليه‌السلام)

راوى مى گويد: شنيدم حضرت صادق عليه‌السلام مى فرمود: «كسى كه دو ركعت نماز بخواند در صورتى كه بداند چه مى گويد در آنها، منصرف شود و حال آن كه نيست بين او و بين خداوند گناهى مگر آن كه آمرزيده آن را (132). »

## 138- الله اكبر (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هرگاه موذن بگويد: «الله اكبر» خداوند مى فرمايد:

«اى امت محمد! مهياى نماز شويد و شغل دنيا را ترك نمائيد. (133)

## 139- شركت در نماز جماعت (حضرت على عليه‌السلام)

به مولاى متقيان على عليه‌السلام خبر دادند كه: گروهى از همسايگان مسجد در نماز جماعت حاضر نمى شوند. حضرت فرمودند: «آن ها بايد همراه ما در نماز جماعت شركت كنند، يا اين كه از ما دور شوند تا همسايه ما نباشند و ما نيز همسايه آنان نباشيم. (134)

## 140- نقشه شوم و تعبير نشدنى جاسوس انگليس

مستر همفر جاسوس كهنه كار انگليس مى نويسد:

بايد اساس هر گونه نماز جماعتى را با اشاعه اتهامات به ائمه جمعه و جماعات بر هم زد و از استقبال مردم از آن كاست. مخصوصا لازم است دلايلى! بر فسق و فجور امام جماعت ارائه داد تا هرگونه رابطه اى بين امام و مردم با سوء ظن دشمنى با او از ميان برود. (135)

## 141- من تو را دوست دارم (امام حسين عليه‌السلام)

راوى مى گويد: داخل مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله شدم و ديدم كه امام حسين عليه‌السلام در حال سجده بود و صورت مباركش را بر خاك مى گذاشت و مى گفت: «مولاى من! اگر مرا با خطاكاران در دوزخ گرد آورى به آنان مى گويم كه: من تو را دوست دارم. » (136)

## 142- مهريه اندك: ولى ازدواج مهم (امام سجاد عليه‌السلام)

مردى به مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد شد و با عجله بسيار دو ركعت نماز گزارد و هيچ يك از اركان نماز هم چون قيام و ركوع و سجود را با رعايت آداب و شرائط به جا نياورد و در قرائت آن نيز دقت نكرد.

بعد از اسلام نماز دست به دعا برداشت و عرض كرد: پروردگارا! برترين درجات بهشت را روزى من كن و يك قصر زرين و چهار حورالعين به من عطا فرما!

امام زين العابدين عليه‌السلام كه در مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله حضور داشت و از نزديك، نماز آن مرد را ديده و دعاهاى او را شنيده بود، رو به او كرد و فرمود: اى برادر! مهريه اندك و ناچيز آورده اى و ازدواج مهم و بزرگى را درخواست ميكنى (137). »

## 143- شفا بيمار و عطا فرزند به واسطه اذان بلند (امام رضا عليه‌السلام)

«هشام بن ابراهيم » خدمت امام رضا عليه‌السلام شرفياب شد و از بيمارى و نداشتن فرزند شكوه كرد. امام رضا عليه‌السلام به او دستور داد كه در خانه اش با صداى بلند اذان بگويد. «هشام بن ابراهيم » ميگويد:

دستور امام عليه‌السلام را اجرا كردم و خداوند به بركت آن بيماريم را شفا داد و فرزندانى به من عطا فرمود. (138)

## 144- مسلمان شدن يك خانم فرانسوى به بركت نماز

يكى از علماى معاصر مى گويد: در سفر به فرانسه از خانمى كه مسلمان شده بود پرسيدم: چگونه مسلمان شديد؟

گفت: من سال ها پيش مقيم الجزاير بودم. يك روز از جاده اى عبور مى كردم كه در كنار آن مزرعه اى بود و ديدم كسى رو به سمتى ايستاده و حركاتى انجام مى دهد. كنجكاو شدم و از ديگران پرسيدم: اين حركات چيست؟ گفتند: نماز مى خواند. كنجكاوتر شدم و سراغش رفتم، پرسيدم:

چه مى كنى، چه مى گويى و چه مى خواهى؟ وقتى متوجه شدم كه در اسلام ارتباط با خالق اين اندازه آسان است و اين قدر عميق و لطيف است تكان خوردم و اين علت اصلى مسلمان شدن من بود (139).

## 145- شيخ مفيد و اقامه نماز

«شريف ابويعلى جعفرى » درباره شيخ مفيد (رح) گفته است: او مقدار كمى از شب را مى خوابيد، آن گاه بر مى خاست و نماز مى گزارد، يا كتاب مى خواند، يا درس مى گفت: يا قرآن تلاوت مى كرد (140).

## 146- بهشت، يا نماز (ابوبكر شبلى)

در تفسير عاملى نقل شده كه «ابوبكر شبلى » گفت: اگر مرا مخير كنند ميان آن كه در نماز شوم يا در بهشت شوم آن بهشت بر اين نماز اختيار نكنم، كه آن بهشت اگر چند ناز و نعمت است، اين نماز از ولى نعمت است. آن نزهتگاه آب و گل است، وين تماشاگاه جان و دل است. آن مرغ بريان است در روضه رضوان، وين روح و ريحان است در بستان جانان (141).

## 147- ز ورد نيمه شب و درس صبح گاه رسيد (مرحوم آيت الله سبزوارى)

يكى از كسانى كه من (سيد عباس موسوى مطلق) در زمان حيات شان زياد به خدمت شان مشرف مى شدم و از انفاس الهى اش بهره مند مى شدم مرحوم آيت الله سبزوارى بودند كه در مشهد مقدس مسجد جامع حكيم اقامه جماعت مى فرمودند: خداوند رحمتش كند، سيماى منورش انسان را به ياد سلمان صحابى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى انداخت.

من مكرر خدمت ايشان مى رسيدم و تقاضاى نصحيت و پند مى كردم هميشه اين نصحيت را در كنار ساير نصايح خيلى سفارش مى فرمود و گويا خود لذت او را درك كرده بوده كه اين گونه سفارش مى كرد حتى وقتى بيمار شد و او را به بيمارستان حضرت موسى بن جعفر عليه‌السلام منتقل كردند به همراه يكى از دوستان به عيادتش رفتم باز هم سفارش فرمودند كه: نماز شب، نماز شب مقيد باشيد به نماز شب.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مرو به خواب حافظ به بارگاه قبول  |  | زورد نيمه شب و درس ‍ صبحگاه رسيد  |

از ايشان سوال كردم سخت ترين واقعه عاشورا چه بود؟ فرمودند: آه لگد كردن بدن مطهر حضرت و اسارت حضرت زينب (س) (142).

## 148- در محضر بزرگان (مرحوم آيت الله مولوى)

از صاحب كتاب «در محضر اولياء» نقل شد. يك روز به ديدار مرحوم آيت الله مولوى (قدس الله نفسه الزكيه) رفتم، جلسه، جلسه بسيار با معنويتى بود، معظم له در ضمن صحبت ها نصايحى فرمودند كه بنده همان وقت ياد داشت كردم در ذيل به برخى از آن نصايح اشاره مى شود.

1- نماز خود را اول وقت بخوانيد و ترك نكنيد.

2- تعقيبات نماز را بخوانيد.

3- حضور قلب در نماز داشته باشيد، از خداوند طلب كنيد و او حضور قلب را مى دهد.

4- معصيت نكنيد... و چندين نصايح ديگر (143).

## 149- در محضر بزرگان (حضرت استاد دريابارى)

خداى سبحان بر بنده منت نهاد كه حدود هيجده سال از سفره با بركت علم و ايمان نزد حضرت استاد سيد عنايت الله دريابارى تلمذ كنم.

در طول اين مدت و ساير اوقات كه در خدمت شان بوديم و هستيم نكات بسيار ظريفى را از رفتار ايشان آموختم.

تواضع، فروتنى، ساده زيستى و تهجد و شب زنده دارى از خصوصيات بارز ايشان است.

معظم له هميشه سفارش فرمودند: قدر اين لباس روحانيت را بدانيد، اين لباس پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله و اهل بيت (س) مى باشد.

سفارش هميشگى استاد تاكيد بسيار به نماز شب و اقامه نماز اول وقت هست. ايشان مى فرمودند: زمانى كه در رستم كلا بهشهر تحصيل مى كردم حضرت استاد، آيت الله العظمى ايازى (رح) دائما اين نكته را تذكر مى دادند و نيمه شب خودشان بلند مى شدند و طلاب را بيدار مى كردند.

تاكيد ايشان بر اين است كه اگر انسان مى خواهد به جايى برسد، از توفيق نماز شب، نماز شب، نماز شب است.

## 150- در محضر بزرگان (آيت الله العظمى كشميرى)

مولف كتاب «در محضر اولياء»نقل مى كند يك روز حضرتشان را به حق حضرت ختمى مرتبت صلى‌الله‌عليه‌وآله قسم دادم كه اجازه فرمايند

سه روز خادم ايشان باشم، فرمودند: احتياجى نيست، اصرار كردم قبول فرمودند، لذا سه روز از صبح تا شب در منزل ايشان بودم، در اين مدت و ساير اوقات سوالاتى از محضرشان مى كردم كه به برخى از آن ها اشاره مى كنم.

سوال: هر عارفى يك نقطه دگرگونى داشته است! شما چطور شد كه منقلب شديد؟!

جواب: رسيدن به محضر مرحوم قاضى.

س: الان چه كسى را به عنوان استاد كامل معرفى مى كنيد؟

ج: آقاى بهجت آقاى بهجت.

س: مهمترين خصوصيات مرحوم قاضى چه بود؟

ج: صبر و توكل.

س: رمز موفقيت را در چه مى دانيد؟

ج: نشستن با بزرگان، نماز شب.

س: سفارشى به بنده و طلاب بفرمائيد؟

ج: تقوا داشته باشيد و درس بخوانيد.

س: چند سال محضر مرحوم قاضى بوده ايد؟

ج: 8 سال.

س: رابطه شما با امام چطور بود؟ آقا مصطفى شاگرد شما بود؟

ج: علاقه زيادى به من داشت، آقا مصطفى رفيق من بود.

س: مقام معظم رهبرى را مى شناسيد؟

ج: نه خير، حكومت اسلامى است خيلى خوب است (144)

س: از سفارشات مرحوم قاضى اگر يادتان هست بيان فرمائيد؟

ج: سجده يونسيه حداقل 400 بار در سجده در سحر بهتر است و قرآن بخوانيد.

س: در ماه رجب چه عملى انجام بدهيم؟

ج: هر روز 1000 مرتبه استغفار و دعاى (يا من تحل)

س: ترك حيوانى چقدر در نورانيت موثر است؟

ج: خيلى فقط قبل از چهل روز يك مرتبه گوشت بخوريد جهت رفع كراهت.

س: چه موقع انسان مى تواند خدمت امام زمان برسد؟

ج: هر وقت متقى شديد خدمت امام زمان برسد.

س: براى عصبانيت چه ذكرى خوب است؟

ج: لا اله الا الله.

س: رابطه شاگرد با استاد چگونه بايد باشد؟

ج: مثل عبد و غلام در برابر مولا.

س: شما با مرحوم قاضى اين طور بوديد؟

ج: بله.

س: از آثار نماز شب چيست؟

ج: نورانيت و روحانيت مرحوم قاضى سفارش مى كردند.

س: براى اداى قرض چه دعائى بخوانيم؟

ج: يا من يكفى من كل شى و لايكفى من الشى اكفنى ما اهمنى. (145)

## 151- همه در تسبيح و من به غفلت (يك اهلدل)

ياد دارم كه شبى در كاروان همه شب رفته بودم و سحر در كنار بيشه اى خفته. شوريده اى كه در آن سفر همراه ما بود، نعره اى بر آورد و راه بيابان گرفت و يك نفس آرام نيافت. چون روز شد گفتمش:

آن چه حالت بود. گفت: بلبلان را ديدم كه بنالش در آمده بودند از درخت و كبكان از كوه، و غوكان در آب و بهايم از بيشه انديشه كردم كه مروت نباشد همه در تسبيح و من به غفلت خفته (146).

## 152- پاداش نماز صبح و عشا (پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله)

پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله براى نماز صبح با جماعت، وارد مسجد شد. پس از نماز به پشت سر نگاه كرد و ديد عده اى از مسلمين براى نماز نيامده اند.

نام آن ها را به زبان آورد و فرمود:

آيا اين افراد در نماز شركت نمودند؟

حاضران عرض كردند: «نه ».

فرمود: «آگاه باشيد بر افراد منافق نمازى سخت تر از نماز عشا و نماز صبح نيست. اگر پاداش بسيار نماز صبح و عشا را با جماعت در مى يافتند - گرچه چهار دست و پا، مانند راه رفتن كودكان شير خوار باشد - خود را به جماعت مى رساندند (147). »

## 153- من از نماز سير نمى شوم (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله)

صداى اذان براى رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله چنان جاذبه داشت و نشاط مى آورد، كه هنگام اذان، به بلال مى فرمود:

«ما را از غم و اندوه تلخى رهايى بخش!»

هر گاه وقت نماز مى رسيد، گويى كسى را نمى شناخت و حال معنوى خاصى پيدا مى كرد. حضرت مى فرمود: «گرسنه از غذا سير و تشنه از آب، سيراب مى شود، ولى من از نماز، سير نمى شوم (148) »

## 154- در شبانه روز هزار ركعت نماز امام رضا عليه‌السلام

در سفينه البحار روايت شده است كه خواجه اباصلت هروى مى گويد:

به سرخس مسافرت كردم، و در آن جا به طرف زندان رفتم تا اجازه بگيرم و به حضور امام رضا عليه‌السلام كه در حبس بود برسم و احوالپرسى كنم.

زندانبان ها اجازه ندادند و گفتند: هيچ راهى نيست.

گفتم: چرا؟ گفتند: چون امام در بسيارى اوقات، در شبانه روز هزار ركعت نماز مى خواند. فقط ساعتى در اول روز و قبل از ظهر و هنگام غروب، در محل نمازش مى نشيند و با خداوند سبحان مناجات مى كند (149).

## 155- عبادت (آيت الله العظمى گلپايگانى)

در كتاب «نورى از ملكوت » كه درباره زندگى اين مرد الهى ؛ از زبان فرزندش مى فرمايد: از نظر عبادت و توجه به ذات اقدس الهى در مرحله اى بود كه دائما با قرآن انس داشتند و غالبا روزى دو سه جزء قرآن مى خواندند و هنگام خواندن قرآن حالت خاصى داشتند كه ما به حال ايشان غبطه مى خورديم در طول زندگيشان نماز شب ايشان ترك نشد هميشه قبل از اذان صبح بيدار بودند شايد حدود هفتاد سال ايشان موفق بودند كه پيش از نماز صبح به حرم مشرف شوند و نماز صبح رابه جماعت در حرم بخوانند (150).

## 156- شب زنده دارى (آيت الله العظمى گلپايگانى)

آيت الله كريمى جهرمى (داماد داماد آقا) كه افتخار شاگردى معظم له را دارند در مورد عبادت و تهجد و شب زنده دارى معظم له مى نويسد:

آن مرجع بزرگ از اهل عبادت و تهجد بود و به واجبات و مستحبات اهتمام مى ورزيد. شب زنده دارى و تهجد او و گريه ها و اشكهاى جارى او و تلاوت قرآن و دعاهاى مختلف او ترك نمى شد و نيز تقيد به گفتن اذان داشتند و صداى مباركشان به هنگام طلوع فجر به اذان بلند مى شد. اين جانب خود كرارا صداى مباركشان را كه به هنگام طلوع فجر و سفيده صبح بلند بود شنيدم و بلند اذان مى گفتند و چه قدر اذان آن بزرگوار به هنگام صبح، طنين جذابى داشت (151).

## 157- با حبيب چه خواهى كرد؟ (ملا حبيب الله شريف كاشانى)

يكى از نوادگان (152) ايشان از برخى افراد كهنسال كه افتخار ملاقات ايشان را داشته نقل مى كرده كه شبى قبل از اذان صبح وارد مسجد شدم ديدم آقا ملاحبيب الله مشغول مناجات است و سر خود را برهنه كرده و با خدا راز و نياز مى كند. گويى با كسى زمزمه اى داشت! خوب گوش كردم اين را شنيدم كه گفت: خدايا عاقبت با حبيب چه خواهى كرد؟

زمزمه اش ياد آورى شكوه هاى امام سجاد عليه‌السلام بود. كاهش ‍ مى دانستم آيا مادرم مرا، براى سرانجامى سراسر بدبختى زاده است يا براى رنج پرورده است اى كاش مرا نزاده و تربيت نكرده بود! (153)

## 158- در سجاده عبادت و بندگى (حضرت آيت الله محمدى لائينى)

فرزند معظم له حضرت حجت الاسلام و المسلمين محمد باقر محمدى لائينى درباره رمز موفقيت و سفارشات ايشان بيان مى كند:

او تهجد و شب زنده دارى ؛ اين مستحب با ارزش را بسيار سفارش مى نمود و با مناجات وقت سحر و خلوت با خداى سبحان و تفكر در آيات، وجود خويش را نورانى و شب ظلمانى را به روز روشن تبديل مى كرد.

بعد از نماز شب و اقامه نماز صبح، تعقيبات را تا نزديك طلوع خورشيد ادامه مى داد.

او بسيار مقيد به اقامه نماز جماعت در مسجد بود حتى در زمان بيمارى. اگر برايشان ممكن بود در شرائط نامساعد هم حاضر به ترك نماز جماعت در مسجد نمى شد.

او تنديس اخلاص بود. در حديث قدسى وارد شده است كه خداوند جل و علا مى فرمايد: اخلاص سر من اسرارى استودعه قلب من احبه من عبادى. اخلاص سرى از اسرار من است كه آن را فقط در قلب بندگان محبويم قرار مى دهم.

معظم له محبوب خدا بود و از اين موهبت الهى حظ وافرى داشت.

ايشان ايمان واقعى به نماز داشت و پى به عظمت و اسرار آن برده بود و حتى در اواخر عمرش درسى را به همه مومنين داد و فرمودند: هر كس ‍ درباره من غيبتى يا تهمتى از او سر زده است براى اين كه از او راضى باشم برايم يك شبانه روز نماز بخواند. و به افرادى كه براى رفتن به زيارت عتبات عاليات خدمتش براى خداحافظى مى رسيدند. مى فرمود: در آن جا برايم دو ركعت نماز بخوانيد.

از ويژگى هاى فراموش نشدنى ايشان اين بود كه هميشه مهر مخصوص ‍ داشت و ديگران را به آن سفارش مى نمود و به قبله شناسى بسيار اهميت مى داد و هميشه قبله نما همراهش بود تا به قبله يابى دقيق بپردازد.

هم چنين يكى از امورى كه ايشان به همه مومنين مخصوصا طلاب و روحانيون سفارش مى كرد قرائت صحيح و درست نماز بود.

در ميان نمازهاى مستحبى ؛ به نماز جعفر طيار بسيار اهميت مى داد و ديگران و فرزندان را به آن سفارش مى نمود ودر تربيت فرزندان روى مسئله نماز توجه و عنايت ويژه اى داشت (154).

## 159- وسواس در عبادات ممنوع (مرحوم قاضى)

در كتاب «اسوه عارفان »، مرحوم آقاى حاج سيد هاشم رضوى هندى از تلاميذ مرحوم آقاى قاضى، مى فرمود: روزى يكى را به محضر آقاى قاضى آوردند كه مثلا آقا دستش را بگيرد و راهنمايى اش نمايد.

مرحوم قاضى فرموده بودند: به اين آقا بگوئيد كه نماز را در اول وقت بخواند. بعد معلوم شد كه آن آقا وسواس در عبادات داشته و نماز را تا آخر وقت به تاخير مى انداخت.

## 160- نماز سير الى الله (حضرت آيت الله العظمى ايازى)

حضرت استاد دريابارى، درباره نماز حضرت آيت الله العظمى ايازى (رض) مى فرمايد: روح اين مرد الهى هنگام نماز سير الى الله داشت، فناء لله بود. نمازش را بسيار نيكو مى خواند و نماز شبش ترك نمى شد و هنگام نماز تمامى مستحبات را رعايت مى كرد و زندگى بسيار زاهدانه داشت و تمام حركات معظم له براى ما درس بود. (155) »

### شرح حال حضرت آيت الله العظمى ايازى (ره)

زادگاه حضرت آيت الله العظمى ايازى (ره) مازندرانى شهر رستم كلا (حد فاصل بهشهر و نكا) است. ايشان در سال 1310 هجرى شمسى در شهر رستم كلا، در خانه اى كه با گلهاى عطرآگين ايمان و اخلاص و روشنايى علم و عمل آذين بندى شده بود چشم به جهان گشود و صداى كودكى به فضاى خانه قديمى و بى آلايش، كانون پر مهر و محبت خانواده، صفايى تازه بخشيد، نوازادى كه با گريه هاى كودكانه گوش والدين خود را نوازش مى داد و مادر چون نسيم ؛ فرزند خويش را به سينه فشرد در حالى كه گلاب اشكش روى گونه نوازاد مى چكيد و كودك با نگاههاى معصومانه دل مهربان والدين را سرشار از اميد مى نمود.

### ستاره اى به خانه كوچك شيخ حيدر قدم نهاد.

پدر او را «ابوالحسن » ناميد تا با انتخاب اين نام ياد خاندان پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله «على » و «حسن » در لحظه لحظه ى زندگى وى تجديد گردد.

###  نوگل گلستان پدر

خنده هاى شيرين و نگاهاى معصومانه ابوالحسن همه اهل خانه را شيفته خود ساخته بود، او آرام آرام گامهاى كوچك اش را روى خاك رستم كلا مى گذاشت و راه مى رفت، زمين به خودش مى باليد كه ابوالحسن بر روى آنها قدم مى گذارد.

نوگل گلستان پدر؛ در آغوش مادرى مهربان و پاكدامن و پدرى ارزشمند، پرورش يافت و روزهاى شيرين كودكى را يكى پس از ديگرى، پشت سر گذاشت و بالاجبار روانه مدرسه شد و دوران ابتدايى را با هوش سرشارش گذراند.

استعداد درخشان ابوالحسن از همان آغاز، پدر بزرگوارش را بر آن داشت تا بعد از دوران ابتدايى ؛ براى كسب علوم و معارف و تربيت اسلامى تحت اشراف مرحوم حضرت آيت الله العظمى كوهستانى قرار دهد.

در خصوص همين مسئله فرزندش حجه الاسلام و المسلمين محمد جواد ايازى مسئول مدرسه جعفريه رستم كلا مى گويد:

آيت الله ايازى دوران طلبگى خود را از حوزه كوهستان شروع كردند و از نظر علمى و عملى بهره بردند و همين امر موجب شده بود كه در طول دوران تحصيل همواره تحت اشراف مرحوم آيت الله كوهستانى باشند.

###  در محضر استاد

علاوه بر اراده قوى و محكم، و تلاش وافر و خستگى ناپذير معظم له در راه كسب و تحصيل دانش، اساتيد ارزشمندى هم در شخصيت علمى و اخلاقى او نقش اساسى داشتند استاد هم چون شمع مى سوخت و مى ساخت و پروانه وار شاگرد را دور خود مى كشاند و عشق به سوختن را به او مى آموخت. معظم له از خرمن دانش استادى بزرگ چون حضرت آيت الله العظمى كوهستانى (ره) در حوزه علميه كوهستان خوشه ها چيد و بيشترين بهره اخلاقى و عرفانى را از محضر اين عالم الهى برد و ايشان به استادش عشق مى ورزيد و در مقابل عظمت او زانوى ادب بر زمين مى زد.

###  شوق هجرت به قم

پس از كسب علم و عمل از محضر استادش آيت الله العظمى كوهستانى (ره)، شوق هجرت به حوزه علميه قم كه هم چون كوثرى گوارا تشنگان عشق به تحصيل و معارف الهى را به سوى خود مى كشيد. در وجود معظم له مشتعل شد.

همزمان با مرجعيت و زعامت فقيه اهل بيت عليه‌السلام حضرت آيت الله العظمى بروجردى (ره) بر جهان تشيع ؛ معظم له وارد حوزه علميه قم شدند و از استادانى چون آيت الله ميرزا مهدى مازندرانى امير كلايى و آيت الله سلطانى و علامه طباطبايى و آيت الله العظمى بروجردى بهره فراوان بردند.

فرزندش حجه الاسلام و المسلمين محمد جواد ايازى در خصوص استادان معظم له مى گويد:

ايشان وارد حوزه علميه قم شده و در آنجا رسائل و مكاسب را نزد آيت الله ميرزا مهدى امير كلايى فرا گرفتند و كفايتين را خدمت آيت الله سلطانى آموختند، منظومه را از محضر مرحوم آيت الله سيدرضا صدر استفاده كردند، تفسير را هم نزد مرحوم علامه طباطبايى بهره بردند و چندين سال در درس ‍ خارج آيت الله بروجردى شركت كردند.

ايشان در سال هايى كه در حوزه علميه قم حضور داشتند از خرمن دانش اين بزرگواران كه هر كدام از ستاره هاى درخشان آسمان فقاهت بشمار مى رفتند، خوشه خوشه علم و ايمان مى چيد.

###  هجرت به نجف اشرف

آيت الله العظمى ايازى (ره) دانشمند و حكيم فرزانه، الگو و اسوه كامل زهد و تقوى، پس از سالها (حدود 12 سال) از چشمه دانش اهل بيت عليه‌السلام در قم ؛ استفاده كرده و با توجه به علاقه اى كه به بارگاه ملكوتى امير المومنين على عليه‌السلام و حوزه علميه نجف داشت به زيارت آن حضرت و كسب علم شتافت.

سفره وجودشان را گشودند و متوسل به خورشيد ولايت امير المومنين على عليه‌السلام شدند و بيش از 8 سال در آنجا اقامت گزيدند و از محضر اساتيد بزرگ كسب فيض نموده اند. فرزندش حجه الاسلام و المسلمين محمد جواد ايازى در خصوص اساتيد معظم له در حوزه علميه نجف مى گويد: «به حوزه علميه نجف هجرت كرده و بيش از 8 سال در آنجا اقامت داشتند در آنجا هم از محضر اساتيد بزرگ بهره بردند از جمله در درس اصول مرحوم آيت الله ميرزا باقر زنجانى شركت كردند و تمام درسهاى ايشان را به رشته تحرير در آوردند.

دوره فقه معاملى را خدمت آيت الله ميرزا هاشم آملى گذراندند و مباحث ايشان را هم تحرير نمودند كه آماده طبع است در درس فقه مرحوم آيت الله سيد محمود شاهرودى و آيت الله حكيم هم شركت مى كردند و در ايام فراغت هم قواعد فقهيه را خدمت آيت الله ميرزا حسن بهيدين مى آموختند. هم چنين در درس مرحوم ميرزا حسن حلى و ميرزا حسن يزدى نيز شركت مى كردند.

###  بر قله اجتهاد

معظم له با استفاده از محضر فرزانگان علم و فقهاى شيعه در حوزه علميه نجف، در سى سالگى بر بلنداى قله اجتهاد رسيد.

فرزندش حجه الاسلام و المسلمين محمد جواد ايازى مى گويد:

از بسيارى از علما و بزرگان همچون حضرات آيات زنجانى، حلى و آملى اجازه اجتهاد دارند.

به حق او، محقق و فقيهى پرتلاش، و عالمى عامل و با ارزش، حكيمى دانا و عارف و عابدى زنده دل و عاشقى دلباخته بود و از خوان گسترده اهل بيت عليه‌السلام و دانشمندان فرزانه و فقهاى شيعه به بهترين وجه پذيرايى گرديد. و كام تشنه روحش را با شراب طهور علم سيراب نمود و مشام جانش را با عطر دل انگيز دانش نوازش داد.

###  بازگشت به وطن

ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون.

معظم له پس از رسيدن به درجه اجتهاد و مدارج عالى علمى در سن سى سالگى، بنا به درخواست مكرر مردم از پيشگاه حضرت آيت الله العظمى كوهستانى (ره)؛ و درخواست معظم له از محضر مبارك آيت الله العظمى شاهرودى ؛ مبنى بر عزيمت حضرت آيت الله العظمى ايازى از حوزه علميه نجف به زادگاهش رستم كلا برگشت. چرا كه وى هم چون شجره طيبه اى است كه هم اكنون به بار نشسته و از ميوه آن ديگران بايستى بهره كافى ببرند و مومنين و علاقه مندان زادگاهش از وجود با بركت وى بهره مند شوند و به آيه شريفه (توبه آيه 122) فوق جامه عمل پوشد.

###  استاد به ديدار شاگرد مى آيد

معظم له زمانى كه در پائيز سال 1341 هجرى و شمسى براى خدمات علمى و اخلاقى به وطنش برگشت. استاد عظيم الشان او، حضرت آيت الله العظمى كوهستانى پس از سالها دورى، شيرينى اين ديدار را مى چشيد. استاد؛ لب به سخن گشود و يك سرى مسائل اخلاقى، اجتماعى... كه بيش از بيست سال با آنها سر و كار داشت را به شاگردان انتقال داد و به او فرمود:

«از آن جا كه دوران كهولت را سپرى مى نمايم، همواره نگران تداوم نيافتن تلاش ده ها ساله خويش در امر اداره حوزه علميه و تربيت طلاب بودم. و اين نگرانى را داشتم كه مبادا اين مهم پس از حيات من به زمين بماند، و شخصيتى، متكفل اداره آن نشود. ليكن اينك پس از مراجعت شما از نجف اشرف و شايستگى هايى كه در شما سراغ دارم، خاطرم آسوده گرديد. و خوش وقتم كه اين مهم با جديت و تلاش شما، ادامه خواهد يافت. »

 ميراث ماندگار تاسيس حوزه علميه جعفريه رستم كلا

بعد از اين كه معظم له براى خدمات علمى و فرهنگى به وطنش بر مى گردد در اولين فرصت حوزه علميه اى به نام «جعفريه » تاسيس مى كند شكوه و عظمت حوزه علميه جعفريه از آغاز تا به امروز - كه حدود 40 سال از شكل گيرى آن مى گذرد - هر سال چشمگيرتر از گذشته در عرصه هاى مختلف، نمود داشته است. در رشته هاى اعتقادات، ادبيات، فقه و اصول و تفسير پاسخگوى نيازهاى اجتماعى و فكرى جامعه نيز بوده هست و در اين راه شاگردان ممتازى را در دامن خود پرورانده است.

در جزوه ى كه در ارتحال عالم ربانى تحت عنوان «يم يارستن » منتشر شده مى نويسد:

تاسيس حوزه علميه عالى ترين عملى بود كه انجام آن مى بايد لازم الاجرا و سرلوحه كارها قرار گيرد. آن هم در محيطى كه سالها زير بمباران تبليغات ضد اسلامى رژيم از يك طرف و جولانگاه افكار چپاولگرانه از طرف ديگر، در صدد ركود فعاليتهاى دينى و حتى به تعطيلى كشاندن آن نيز در برخى از نقاط استان اقدام شده، و مانعى در سر راه و سدى در مقابل اجراى آن بوده اند.

با همه اين احوال كه هر يك از موانع، خنثى كننده اقدامات اين نيت خير خواهانه بود، اين تفكر توانا كه در راس عملش (توكلت على الله) قرار داشت، توانست هر يك از سدها را به راحتى بشكند و به تاسيس ‍ حوزه، دست زند. كه نه تنها، نيم نگاهى در تعجب اين تاسيس نبود، بلكه تا اين تاريخ (1380) به ستون استوار چهل ساله خود، هر چه قوى تر و غنى تر، تكيه زده است. و در اين راستا از زمان بالغ بر هزاران نفر از علما، فضلا و طلاب گرانمايه به مصداق «فيه رجال يحبون ان يتطهروا» به بهرورى از فيوضات علمى و عملى اين عالم ربانى، تزكيه و تهذيب و تعليم و تعلم پرداخته اند. »

حوزه علميه جعفريه هم اكنون بطور شبانه روزى فعال مى باشد و فرزندش حجت الاسلام و المسلمين محمد جواد ايازى با همان دقت و ظرافت خاص پدر بزرگوارش به مسائل درسى، و معنوى و تربيتى طلاب علوم دينى، عنايت دارند و هم اكنون نهال هاى پر طراوت آن بوستان با دستان باغبانى دلسوز (پسر)؛ مثل پدر، به راه خود ادامه مى دهد چنانكه طلاب علوم دينى حركات آقا، را درسى گويا و پندى رسا مى دانستند هم اكنون در اين انديشه اند كه در كنار فرزندش، و يادگار او در همان سنگر، تحصيل را ادامه دهند. انشاء الله.

###  غروب آفتاب

در روز يكشنبه دوم محرم الحرام سال 1423 هجرى و قمرى سرانجام آفتاب زندگى انسان وارسته و مجتهد سخت كوش، عارف مخلص، فقيه صمدانى، مسلمان عصر، حضرت آيت الله العظمى حاج شيخ ابوالحسن ايازى (ره) غروب كرد و در سن هفتاد سالگى دعوت حق را لبيك گفت و ديدار معبودش را با جان و دل پذيرا گشت.

افول اين خورشيد، انفجارى در دلهاى مومنين پديد آورد كه كوچكترين نمودش، جارى شدن سيلاب اشكها بود.

آفتابى غروب كرد، غروبى كه به دنبال خود آنچه به دل مى ريزد اندوه است و اندوه! من خود شاهد غروب آفتاب، از ساحل دريا بوده ام.

من در ساحل خورشيدى را ديدم كه پس از هفتاد سال طلوع خود، غروب كرد؛ ولى شعاع نورانى اين خورشيد بر دلهاى طلاب و مريدانش مى تابد.

من شاهد اوج و عروجى بودم بس زيبا؛ اوج و عروج يك روح بزرگ و بلند، يك روح لطيف و پاك، روحى كه با شكسته شدن قفس تن، تا اوج افلاك و عرش خدا پركشيد. او گرچه در قفس دنيا مى زيست اما در فضاى بهشت تنفس مى كرد، چرا كه تمام لحظه هاى عمرش را با كلام اهل بيت عليهم‌السلام سپرى كرده بود.

براى ما خاكيان رهيدن از خاك تازگى دارد. براى كسى چون ايازى (ره) كه هيچگاه وابسته به خاك نشد، مرزى به نام خاك، وجود نداشت.

ما از بهشت مى گوييم ولى او در اين دنيا به بهشت رسيده بود.

او در انتظار رفتن، روزها را سپرى كرد، رفتن و رهيدن از اين خاكدان براى او همانند بيرون آمدن از اتاقى به اتاق ديگر بود، با اين تفاوت كه در اتاقى همه عمرش بوى عطر پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله، على عليه‌السلام و خاندانش را در لابلاى احاديث استشمام مى كرد و در اتاقى ديگر به زيارت گل هاى بوستان اهل بيت عليهم‌السلام مى رسيد.

رفتنى به اين آرامى!

چه روزى بود؟

دانشمند فقيه در بستر بيمارى افتاد.

همه دعا مى كرديم تا حالش بهتر و دوباره از سخنان شيرين و پرارزش او بهره ببريم.

استاد الگو و سرمشق زندگى ما بود.

ما طلبه ها از نشست و برخاست استاد با مردم، راه چگونه زيستن را مى آموزيم.

هر كس به سويى مى رفتند.

اما ناراحت.

خيلى شتابان و با عجله راه مى پيمودند.

آيا آن چه را شنيده ايم، درست است؟

خدا نكند!

نمى خواستيم باور كنيم كه استاد عزيزى را از دست داديم.

درياى وجودم خروشان بود؛ در تلاطم عجيبى بودم.

به رستم كلا رفتم، نزديك درب مدرسه جعفريه رسيدم.

شلوغ بود.

تپش قلبم تندتر شد.

صداى ناله و ضجهاى طلاب بلند بود.

بر زمين ميخ كوب شدم.

بعد از چند لحظه به خودم آمدم.

چند قدمى هم جلوتر رفتم...

ديدم ؛ عده اى بر سر و صورت مى زنند و اشك مى ريزند.

عده اى هم سر به ديوار گذاشته زار زار مى گريند.

بلى ؛ آن چه شنيده بودم صحيح بود.

«انالله و انا اليه راجعون»

 وداع (بگذار تا بگريم)

به راستى علامه بزرگوار ايازى (ره) از ميان مردم رفته بود؟

اما هنوز باورش مشكل بود. با اعلام سه روز عزاى عمومى در استان عالم پرور مازندران در اولين ساعات بامداد روز سه شنبه 28 / اسفند 1380 مصادف با چهارم محرم الحرام 1423 هجرى شمسى دو روز بعد از ارتحال علامه ايازى (ره) نزديك به صد هزار از مردم قدرشناس استان مازندران ناله كنان در حاليكه عزادار بودند بر سر و صورت مى زدند اشك ريزان در اطراف بيمارستان امام خمينى (ره) بهشهر گرد آمدند تا با او در لحظات آخرين وداع كنند.

تشيع جنازه سه ساعت پس از طلوع فجر آغاز شد. همه گريان بودند.

خورشيد از پس پرده ابرها نيم نگاهى به زمين مى انداخت تمام شهر سياه پوشيده بود.

انبوه شاگردان و مردم قدرشناس جنازه او را بر دوش داشتند.

صداى شيون و فرياد از خيابانهاى شهر بلند بود دوست و دشمن در سوگ او اشك مى ريختند.

شيعه و سنى در ماتم جانسوز علامه ؛ رخت سياه پوشيده بودند در حالى كه پيكر مطهر عالم ربانى را مردم روى دستهايشان حركت مى دادند، سيل جمعيت خروشان و ماتم زده شعار مى دادند:

عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز مهدى صاحب زمان، صاحب عزاست امروز.

حدودا ساعت 5/10 صبح پيكر پاك آيه زهد و اخلاص به پارك ملت بهشهر رسيد و بر پيكر مطهر آن توسط فرزندش حجت الاسلام و المسلمين محمد جواد ايازى اقامه نماز شد و پيكر مطهر علامه، در ميان باران اشك مردم استان مازندران از بهشهر تا رستم كلا با پاى پياده با نهايت تجليل و احترام تشيع گرديد و در حياط حوزه علميه جعفريه رستم كلا به خاك سپرده شد.

هم اكنون قبر شريفش زيارتگاه خاص و عام به خصوص حاجتمندان است.

مداومت كردن به زيارت قبر او، و استمداد از روح پاك او براى انجام مقاصد، و بر آورده شدن حاجت بسيار مجرب و آموزنده است.

فقدان آن عارف الهى، حوزه هاى علميه و جهان تشيع را سوگوار ساخت و مسلمانان و مومنين را در اندوه و ماتم فرو برد. و جامعه روحانيت و حوزه هاى علميه، و محصلان مكتب اهل بيت عليهم‌السلام را در عزاى خود داغدار ساخت. تغمده الله بغفرانه و اسكنه بحبوحات جنانه. انشاء الله.

والسلام عليكم و رحمه الله و بركاته

29/1/1381 شمسى

قم: حسن صدرى مازندرانى

## پی نوشت ها :

1- سلوك معنوى، ص 120، مصاحبه ها

2- فريادگر توحيد، ص 182

3- فريادگر توحيد، ص 116.

4- فريادگر توحيد، ص 182

5- فريادگر توحيد، ص 170

6- داستان هاى عارفانه، ص 52.

7- سيماى فرزانگان، ج 1، ص 214

8- اسرار الصلوه - ص 293

9- فريادگر توحيد، ص 160.

10- داستان هاى نماز، ص 106.

11- سخنرانى در نهمين اجلاس سراسرى نماز.

12- پا به پاى آفتاب ج 3، ص 281.

13- سرگذشت هاى ويژه از زندگى امام خمينى. ص 66.

14- نماز و قيامت بهجت عارفين. ص 223.

15- سيماى فرزانگان، ج 1، ص 221.

16- فريادگر توحيد، ص 183.

17- فريادگر توحيد، ص 184.

18- فريادگر توحيد، ص 186.

19- فريادگر توحيد، ص 180.

20- بحار، ج 82، ص 308، روايت، 9.

21- فريادگر توحيد، ص 183.

22- داستان هاى نماز، ص 80.

23- بحار، ج 83، ص 9.

24- حديث پارسايى، رضا مظفرى، ص 58.

25- نقباء البشر، شيخ آقا بزرگ تهرانى، ج 1، ص 359.

26- زندگانى و شخصيت شيخ انصارى، ص 263.

27- سفينه البحار، ج 2، ص 44.

28- سياحت شرق، ص 198.

29- سيماى فرزانگان ج 1، ص 230.

30- سيماى فرزانگان، ج 1 ص 230.

31- نماز اول وقت، رجايى خراسانى، ص 190

32- روزنامه جمهورى اسلامى 2/3/68.

33- حكايت هاى شنيدنى، ج 5، ص 62.

34- جلوه هاى ربانى، ص 108.

35- انسان در عرف عرفان، واقعه 21، ص 43.

36- گنجينه ى دانشمندان، ج 1 - ص 233 و 232.

37- مهر تابان، بخش نخست، ص 19 -

38- كيهان، 20 / 6/ 68.

39- ديدار با ابرار - شهيد مدنى جلوه اخلاص - خاطره از آقاى بروجردى، ص 38.

40- كيهان - 20 / 6 / 68 مجله عروه الوثقى، شماره 82.

41- روزنامه جمهورى اسلامى، 18 / 6 / 61 ويژه نامه آيت الله مدنى.

42- يادواره شهيد محراب آيت الله مدنى ص 51

43- كيهان - 20 / 6 / 68.

44- زندگانى شيخ مرتضى انصارى، و مردان علم در ميدان عمل، ص 206.

45- زندگانى شيخ مرتضى انصارى، و مردان علم در ميدان عمل، ص 206.

46- داستان هاى عارفانه، ص 61.

47- زندگانى شيخ مرتضى انصارى، و مردان علم در ميدان عمل، ص 58.

48- داستان هاى عارفانه، ص 55.

49- داستان هاى عارفانه، ص 52.

50- انسان در عرف عرفان.

51- داستان هاى عارفانه، ص 32.

52- داستان هاى عارفانه، ص 51.

53- بر قله پارسايى، ص 98.

54- برقله ى پارسايى، ص 100.

55- برقله ى پارسايى، ص 95.

56- كيمياى محبت، ص 222 نقل شده در كتاب بر قله ى پارسايى، ص 95.

57- برقله ى پارسايى، ص 98.

58- يكى از عمال رژيم پهلوى در خراسان.

59- داستان هاى عارفانه، ص 20.

60- داستان هاى عارفانه، ص 23.

61- نشان از بى نشان ها ص 425.

62- نشان از بى نشان ها، ص 425.

63- نشان از بى نشان ها، ص 31.

64- نشان از بى نشان ها ص 31.

65- نشان از بى نشان ها، ص 24.

66- نشان از بى نشان ها، ص 16.

67- نشان از بى نشان ها، ص 57.

68- آيت حق (شرح حال عالم ربانى حضرت آيت الله طبرسى مازندرانى، ابوالقاسم طاهرى، ص 76.

69- زى طلبگى، ص 122.

70- سيرى در نهج البلاغه، ص 12.

71- سيرت رسول الله، ص 124.

72- داستان هايى از زندگى پيغمبر ما، ص 121، 122.

73- ارشاد قلوب، ج 2، ص 66، (باب 30)

74- سيماى فرزانگان، ج 3، ص 170.

75- طهارت روح، ص 383.

76- شيخ آقا بزرگ ص 7.

77- ترجمه الصلوه، ص 56.

78- طهارت روح، ص 378.

79- سيماى عبادالرحمن در قرآن، ص 61 نقل شده در: هزار و يك نكته درباره نماز.

80- شب مردان خدا، ص 39.

81- ارزش و اهميت نماز، ص 52 نقل شده از: هزار يك نكته درباره نماز، ص 198.

82- الهى نامه، حضرت علامه حسن زاده آملى، ص 47.

83- روزنامه كيهان، تاريخ 17 / 9/ 73.

84- سيماى فرزانگان، ج 3، ص 161.

85- من لا يحضره الفقيه، ج 1 ص 211.

86- هزار و يك نكته، ص 190، 375.

87- هزار و يك نكته درباره نماز، ص 126.

88- داستان هاى نماز، ص 77.

89- داستان هاى نماز، ص 77.

90- اسرار نماز، ص 84.

91- پادشه خوبان، موسوى مطلق، ص 149.

92- پادشه خوبان، ص 134.

93- حديث پارسايى، شرح احوال ميرزا حبيب الله رشتى، ص 73.

94- حديث پارسايى، شرح احوال ميرزا حبيب الله رشتى، ص 58.

95- تاريخ ابن خلكان، قطع بزرگ، ص 167.

96- نماز سرود ايمان، ص 33.

97- حكايات برگزيده، ص 59.

98- روضات الجنات، ص 366.

99- بحار الانوار، ج 3 ص 86.

100- جامع الاحاديث، ج 2، ص 254، ح 67.

101- تنديس پارسائى

شرح حال عالم ربانى، فقيه صمدانى حضرت آيت الله رحمانى خليلى مازندرانى

- آن چه پيش رو داريد، گذرى است بس كوتاه بر گلشن زندگانى يكى از برگزيدگان يار و مجذوبان جمال دلدار. گرچه گذر زمان و گمنامى، كمتر نشانى از آن بى نشان به جاى گذارده است ليك عنايتى و توفيق شامل اين حقير گرديد كه از زندگانى شيخ عارف و زاهد به رشته تحرير در آورم تا شايد نفوس ‍ مستعده را فايدتى به هم رسد و سالكان الى الله را وجد و حالى حاصل آيد و احياى نامى از آفتاب چنين درخشان گزيده شود. خداى سبحان در سوره قلم، آيه 5 مى فرمايد:

«فاجتباه فجعله من الصالحين » و پروردگارش او را برگزيد و از صالحانش قرار داد.

 ميلاد سبز

شيخ عارف، زاهد بارع، فقيه و پارسا، حضرت آيت الله شيخ ابوالقاسم رحمانى مازندرانى - قدس سره الربانى - به سال 1302 شمسى (1342- ق) در قريه خليل محله بهشهرى ديده بر خاك تيره جهان گشود. و با عنايت پروردگارش اين خاك تيره را به شرف سجده هاى خويش منور كرد و محل عروج بر افلاك ساخت.

 نياكان نيكنام

پدر بزرگوارش مرحوم آيت الله شيخ محمد باقر هزار جريبى مازندرانى - از علماى به نام و مشهور بهشهر و نواحى - فرزند علامه آيت الله محمد حسين هزار جريبى از شاگردان مرحوم شيخ اعظم انصارى (رض) فرزند آقا شيخ محمد كاظم بن علامه بزرگوار شيخ محمد على (م 1245 ق) فرزند علامه سترگ آيت الله شيخ محمد باقر هزار جريبى مازندرانى نجفى (1205 ق) استاد سيد بحرالعلوم، شيخ جعفر كاشف الغطا و ميرزاى قمى بوده است كه سابقه سيصد سال روحانيت و رياست و مرجعيت شيعه را بر عهده داشته اند. با اين سابقه ؛ نيك مردان، آرزومند فرزندى نيك اند. مى خواهند ثمره زندگى شان بلند مرتبه و سرافراز گردد تا به او ببالند و بعد از خود، يادگارى صالح بر جا گذارند.

شيخ ابوالقاسم رحمانى خليلى، مردى از خطه سرسبز استان مازندران، همان يادگار صالح پدر بود.

 به دنبال دانش

فقيد سعيد در سن 12 سالگى براى فراگيرى علوم اهل بيت صلى‌الله‌عليه‌وآله به حوزه علميه مرحوم آيت الله كوهستانى كوچيد و بعد از فراگيرى رسائل و مكاسب نزد حضرت آيت الله كوهستانى هر چه توانست بر توشه دانش خود افزود. ايشان طلبه سخت كوش، شب ها و روزها را از پى هم به تحصيل دانش و معارف معنوى سپرى كرد.

 حديث هجرت، تشرف به عتبات عاليات

حوزه علميه كوهستان بهشهر با همه طراوت و پاكيش، سيراب گر جان عطشان (شيخ ابوالقاسم) نبود لذا تصميم هجرت به نجف اشرف را گرفت و در سال (1325 ش) در نزد مرحوم آيت الله حاج ميرزا حسن يزدى و شيخ صدرا بادكوبه اى ؛ كفايه الاصول را آموخت و پس از اتمام سطح به دروس خارج حضرات آيات عظام، سيد محسن حكيم، سيد محمود شاهرودى، سيد ابوالقاسم موسوى خويى و ميرزا هاشم آملى به مدت 12 سال كسب فيض نمود و در سال 1338 ش، با كسب اجازات متعدد اجتهاد به زادگاهش برگشت و آن جا مبادرت به بنياد حوزه علميه و مسجد و حسينيه و در سال 1347 شمسى به تهران مهاجرت كرد و در مسجد شفا به امامت جماعت و در مدرسه چهلستون و مدرسه شيخ عبد الحسين به تدريس مكاسب و كفايه اشتغال ورزيد سپس در سال 1364 شمسى به حوزه علميه قم كوچ نمود و به تدريس خارج فقه و اصول مشغول شد.

 عشق به آل الله

فقيه وارسته و عارف فرزانه، عشق به آل الله و ولايت محمد و آل محمد (ص) كه مهر قبولى اعمال است، داشت. ايشان شيفته قرآن بود، وارستگى و قناعت، تواضع و فروتنى، متعبد و با تقوا و اورع بود. و روزانه به اذكار و اورد بسيار به ويژه زيارت عاشورا و استغفار مى پرداخت و براى تهذيب نفس چندين بار چله نشست. به طورى كه در نوشتجاتى كه در دست فرزندش احمد آقا موجود است مؤ يد اين چله هاى با ارزش است.

 آثار و تاءليفات

تاءليفات معظم له 1- تفسير سوره حمد 2- علم نحو 3- رساله فى المشتق 4- شرح اجتهاد و تقليد عروه الوثقى 5- شرح تبصره المتعلمين علامه حلى مى باشد.

 آخرين لحظه، زيباترين اندرز

حالات قله نشينان عشق الهى را تنها قله نشينان معرفت الهى مى دانند، آن هاى كه به نداى سروش عشق لبيك گفتند سختى هاى راه را برخود هموار كردند و خداى حكيم و مهربان را در دل خود يافتند.

آيت الله رحمانى مازندرانى يكى از قله نشينان عشق و معرفت ؛ پس از تهجد و نماز صبح به هنگام خواندن زيارت عاشورا در فضاى باز در تاريخ يكشنبه 27 / 12 / 1374 (27 شوال المكرم 1416 ق) در سن 72 سالگى بدرود حيات گفت و در روز دوشنبه پس از تشيع، و اقامه نماز بر پيكر معظم له توسط حضرت آيت الله العظمى فاضل لنكرانى، به زادگاهش منتقل شد و در ميان اندوه بسيار مردم و با حضور شخصيت هاى علمى و مذهبى و اجتماعى در مدرسه اى كه خود بنياد نهاده بود، به خاك سپرده شد. براستى او از اين خاكدان پرگشود و به افلاك سفر كرد.

102- كيميا نظر، موسوى مطلق، ص 52.

103- مردان علم در ميدان عمل، سيد نعمت الله حسينى، ص 390.

104- با توجه به اين كه زناى زن، با اين كه دسترسى به شوهر دارد، زناى محصنه است، و كيفر آن رجم (سنگسار) مى باشد.

105- تفسير روح المعانى، ج 30، به نقل از فخر رازى ذيل تفسير سوره و العصر.

106- داستان دوستان، ج 1، ص 57.

107- اقتباس از معانى الاخبار، شيخ صدوق، ص 11.

108- داستان دوستان، ج 3 ص 71.

109- مجمع البيان، ج 10، ص 419.

110- معانى الاخبار، صدوق، ص 11.

111- لهوف، سيد بن طاووس، ص 94.

112- اسرار الشهاده: ص 423.

113- خصائص نسائى، ص 3.

114- استعاذه شهيد دستغيب، ص 143.

115- سيماى فرزانگان: ج 3، ص 164.

116- حجه الاسلام و المسلمين شيخ محمد حسين حيدرى، نقل شده از كتاب (سيماى زعامت و مرجعيت فقيه صالح) محمد على صالحى، ص 118.

117- حق اليقين، ص 302.

118- حجه الاسلام و المسلمين محمد طاهر فارابى، نوه معظم له بنابر در خواست مولف.

119- آيينه صدق و صفا، شرح حال حضرت آيت الله حاج شيخ محمد على اراكى، استادى، ص 71.

120- داستان ها و حكايات نماز.

121- كشكول شيخ بهائى، ص 430.

122- راز نماز، ص 50.

123- بيت الاحزان، محدث قمى، ص 41.

124- پرتو سخن، شماره 29.

125- خورشيد در جبهه، ص 126.

126- تفسير نمونه، ج 9ص 268.

127- ترجمه رساله الحقوق، محمد سپهرى، ص 90.

128- چهل حديث، امام را حل، ص 430.

129- چهل حديث، امام راحل، ص 430.

130- چهل حديث، امام راحل، ص 431.

131- چهل حديث، امام راحل، ص 431.

132- چهل حديث، امام راحل، ص 433.

133- مناهج الشارعين، ص 180.

134- وسائل الشيعه، ج 3، ص 479.

135- ارزش و اهميت نماز، ص 57.

136- صحيفه الحسين عليه‌السلام، ص 64.

137- لطائف الطوائف، ص 41.

138- هزار و يك نكته درباره نماز، ص 182. نقل شده در: آثار الاذان فى دارالدنيا، ص 5.

139- نماز نشانه حكومت صالحان، ص 101.

140- هزار يك نكته درباره نماز، ص 252.

141- تفسير عاملى، ج 1 ص 473.

142- در محضر اولياء، ص 50.

143- در محضر اولياء، ص 35.

144- مرقد شريفشان از طرف مقام معظم رهبرى در حرم مطهر براى خاك سپارى واگذار شد.

145- در محضر اولياء، ص 25

146- گلستان سعدى، ص 84.

147- وسائل الشيعه، ج 5، ص 378.

148- مستدرك وسائل، ج 1 ص 174.

149- سفينه البحار، ج 1 ص 28.

150- نورى از ملكوت (زندگانى آيت الله العظمى گلپايگانى) ص 132.

151- نورى از ملكوت (زندگانى آيت الله العظمى گلپايگانى)، ص 128.

152- آقاى احمد شريف.

153- مناجات خمسه عشر، مناجات الخائفين، مفاتيح الجنان.

154- حجت الاسلام و المسلمين محمد باقر لائينى فرزند حضرت آيت الله محمدى لائينى، بنابر در خواست مولف.

155- گنجى در طبرستان «از طلوع تا غروب »

فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc371017143)

[1- حضور قلب در نماز چگونه؟ (آيت الله بهاء الدينى) 4](#_Toc371017144)

[2- نماز لذت است حضرت آيت الله العظمى بهجت 4](#_Toc371017145)

[3- گريه هاى سيد احمد كربلايى از (زبان علامه قاضى) 4](#_Toc371017146)

[4- از نماز لذت مى برم (پير مرد نود ساله) 5](#_Toc371017147)

[5- بسان ائمه (س) نماز مى خواند (آيت الله العظمى بهجت) 5](#_Toc371017148)

[6- بسم الله (شيخ انصارى) 5](#_Toc371017149)

[7- مناجات وقت سحر (يكى از اساتيد اخلاق) 5](#_Toc371017150)

[8- فقط متهجدين (مرحوم ملكى تبريزى) 6](#_Toc371017151)

[9- مناجات با محبوب (آيت الله العظمى بهجت) 6](#_Toc371017152)

[10- اگر نماز نباشد گيوه باشد! 6](#_Toc371017153)

[11- شما برويد من هم مى آيم (امام راحل) 7](#_Toc371017154)

[12- اشك زياد در نيمه شب (امام راحل) 7](#_Toc371017155)

[13- نماز شب امام راحل در مدرسه دارالشفاء 7](#_Toc371017156)

[14- عرض ارادت به سيد الشهدا؛ قبل و بعد از هر نماز (امامراحل) 8](#_Toc371017157)

[15- اول وقت شرعى (امام راحل) 8](#_Toc371017158)

[16- هتل بصره و نماز شب (امام خمينى) 8](#_Toc371017159)

[17- تحت تاثير شديد نماز امام راحل 8](#_Toc371017160)

[18- تعقيبات نماز صبح (آيت الله العظمى بهجت) 8](#_Toc371017161)

[19- همه چيز تابع نماز (آيت الله العظمى بهجت) 9](#_Toc371017162)

[20- ميزان ؛ نماز است (آيت الله العظمى بهجت) 9](#_Toc371017163)

[21- انقلاب فكرى را ايشان در ما ايجاد كرد (آيت الله العظمى بهجت) 9](#_Toc371017164)

[22- نماز بهترين دستور است (آيت الله العظمى بهجت) 10](#_Toc371017165)

[23- احترام به نماز (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله) 10](#_Toc371017166)

[24- نجات از آتش (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله) 10](#_Toc371017167)

[25- بيانديشيد (لطيفه) 11](#_Toc371017168)

[26- سواره و پياده، نماز نافله مى خواند (ميرزا حبيب الله رشتى) 11](#_Toc371017169)

[27- نمازهاى والدين را سه بار اعاده كرد (ميرزا حبيب الله رشتى) 11](#_Toc371017170)

[28- قله بر بلنداى عرفان (ميرزا حبيب الله رشتى) 12](#_Toc371017171)

[29- نورانيت نماز اول وقت (امام محمد باقر عليه‌السلام) 12](#_Toc371017172)

[30- عبرت گيريد! (لطيفه) 12](#_Toc371017173)

[31- قبله (لطيفه) 13](#_Toc371017174)

[32- رمز خاص براى اقامه نماز شب (مرحوم آقا نجفى قوچانى) 13](#_Toc371017175)

[33- 5/2 بعد از نيمه شب (استاد شهيد مطهرى) 13](#_Toc371017176)

[34- گريه هنگام نماز شب و تلاوت قرآن (استاد شهيد مطهرى) 14](#_Toc371017177)

[35- خدا مرا به واسطه ى همان يك نماز بخشيد (شيخ ارده شيره) 14](#_Toc371017178)

[36- وضوى حضرت امام (رض) 15](#_Toc371017179)

[37- آرزوى حضرت مريم (س) بعد از مرگ 15](#_Toc371017180)

[38- هر كجا وقت نماز رسيد (امام راحل) 15](#_Toc371017181)

[39- وقت سحر به حال توجه (آيت الله حسن زاده آملى) 16](#_Toc371017182)

[40- نماز جماعت با امام عصر (عج) (عارف ميرزا جواد آقا ملكى) 16](#_Toc371017183)

[41- رنجش حوريه (حضرت علامه طباطبايى) 17](#_Toc371017184)

[42- دو ركعت نماز حاجت آيت الله مدنى (رح) 17](#_Toc371017185)

[43- من مى خواهم از عبادت هايم توبه كنم (آيت الله مدنى) 18](#_Toc371017186)

[44- نجوا با خدا در قنوت نماز (آيت الله مدنى) 18](#_Toc371017187)

[45- خدايا! من آمدم (آيت الله مدنى) 19](#_Toc371017188)

[46- عشق به امام رضا عليه‌السلام شهيد مدنى 19](#_Toc371017189)

[47- سجاده ى خونين (حضرت آيت الله مدنى) 20](#_Toc371017190)

[48- دو سال نماز و روزه ى استيجارى (شيخ اعظم انصارى) 20](#_Toc371017191)

[49- نمازها را من خودم مى خوانم (سيد على دزفولى) 21](#_Toc371017192)

[50- مسجد سهله و اشك روى ريگ ها (شيخ مهدى اصفهانى) 21](#_Toc371017193)

[51- عروج يك رزمنده 22](#_Toc371017194)

[52- يقين ندارم كه در خواب هم گناه نكنم (سؤال از عالمى) 22](#_Toc371017195)

[53- سجده طولانى (مرحوم آيت الله كمپانى) 22](#_Toc371017196)

[54- دو ركعت نماز و دعا (آيت الله حسن زاده آملى) 22](#_Toc371017197)

[55- دو توصيه از شيخ حسنعلى نخودكى (رض) 23](#_Toc371017198)

[56- جسارت به شيخ جعفر كاشف بعد از نماز 23](#_Toc371017199)

[57- نماز ايستاده در هنگام بيمارى (آيت الله كوهستانى) 23](#_Toc371017200)

[58- تضرع در نيمه شب (آيت الله كوهستانى) 24](#_Toc371017201)

[59- نمازهاى طولانى (آيت الله كوهستانى) 24](#_Toc371017202)

[60- سه نفر محو جمال خدا در نماز (يكى از شاگردان رجبعلى خياط) 25](#_Toc371017203)

[61- نماز اول وقت (آيت الله العظمى كوهستانى) 25](#_Toc371017204)

[62- نماز خالصانه (آيت الله كوهستانى) 25](#_Toc371017205)

[63- اصل ولايت است (آيت الله ميرزا آقا ملكى تبريزى) 25](#_Toc371017206)

[64- سوره ى «ص» در نماز وتر (سفارش علامه به علامه) 26](#_Toc371017207)

[65- نماز شب (مرحوم نخودكى) 26](#_Toc371017208)

[66- ذكر وتر نماز شب (امام جعفر صادق عليه‌السلام) 26](#_Toc371017209)

[67- يك نماز صبحم قضا شد. (مرحوم نخودكى) 27](#_Toc371017210)

[68- سفارش مرحوم نخودكى به فرزندش 27](#_Toc371017211)

[69- سجاده را به خاطر سيادت شما مى پذيرم (مرحوم نخودكى) 28](#_Toc371017212)

[70- از يمن دعاى شب و ورد سحرى بود (مرحوم شيخ حسنعلى نخودكى) 28](#_Toc371017213)

[71- رفع تنگى معيشت دو نفر (مرحوم نخودكى) 28](#_Toc371017214)

[72- تهجد و شب زنده دارى (حضرت آيت الله طبرسى) 29](#_Toc371017215)

[73- تنظيم ساعت از نماز امام (رض) 29](#_Toc371017216)

[74- «قال» يا «حال» (ميرزا على آقا شيرازى) 29](#_Toc371017217)

[75- بانگ نماز «رسول الله (ص ») 30](#_Toc371017218)

[76- پيامبر براى پيرزن نماز ميت خواند. 30](#_Toc371017219)

[77- از نافرمانى خدا شرم دارم 31](#_Toc371017220)

[78- مناجات خمسه عشر در سجده (مرحوم ملامحمد برغانى) 31](#_Toc371017221)

[79- نماز شب از سن تكليف (علامه مطهرى) 31](#_Toc371017222)

[80- مسجد سهله (شيخ آقا بزرگ) 32](#_Toc371017223)

[81- سر ركوع و سجدتين 32](#_Toc371017224)

[82- نماز شب علامه مطهرى از زبان (مقام معظم رهبرى) 32](#_Toc371017225)

[83- راه طولانى، زاد و توشه اندك (ابن قاسم عاملى) 32](#_Toc371017226)

[84- همه مقامات دينى از شب خيزى هاست (ملاحسينقلى همدانى) 32](#_Toc371017227)

[85- سجده هاى طولانى (على بن مهزيار) 33](#_Toc371017228)

[86- الهى! (علامه حسن زاده) 33](#_Toc371017229)

[87- نماز حضرت آيت الله العظمى اراكى (رح) 33](#_Toc371017230)

[88- علت مد در الله (مرحوم سيد محمد باقر شفقتى) 33](#_Toc371017231)

[89- مثل نماز از زبان رسول الله (ص) 34](#_Toc371017232)

[90- سوره فاتحه (علامه حسن زاده آملى) 34](#_Toc371017233)

[91- هديه نماز (مرحوم ميرزا جواد آقا تهرانى) 34](#_Toc371017234)

[92- وضوى (ميرزا جواد آقا تهرانى) 34](#_Toc371017235)

[93- نماز (ميرزا آقا جواد تهرانى) 34](#_Toc371017236)

[94- تاخير نماز اول وقت و جريمه شخصى (شهيد ثانى) 35](#_Toc371017237)

[95- سفارشات حضرت آيت الله نمازى شاهرودى براى تشرف امام عصر (عج) 35](#_Toc371017238)

[96- انگشتر در دست چپ كراهت دارد (شيخ رجبعلى خياط) 36](#_Toc371017239)

[97- گريه از فراق يار و بيم صحراى محشر (ميزار حبيب الله رشتى) 36](#_Toc371017240)

[98- مدام در عبادت (ميرزا حبيب الله رشتى) 36](#_Toc371017241)

[شيوه حل مشكلات علمى (بوعلى سينا) 37](#_Toc371017242)

[جشن تكليف (سيد بن طاووس) 37](#_Toc371017243)

[101- نمازت را بخوان (لطيفه) 38](#_Toc371017244)

[102- از ترس ريا در منزل شيخ بهايى نماز نخواندم (عبدالله شوشترى) 38](#_Toc371017245)

[103- تعطيل شدن حوزه ى درس امام صادق عليه‌السلام هنگام نماز 38](#_Toc371017246)

[104- خشوع قلب و اندام (حضرت على عليه‌السلام 39](#_Toc371017247)

[105- راز دار خلوت نشين 39](#_Toc371017248)

[توصيه عبادى و اخلاقى حضرت آيت الله شيخ ابوالقاسم رحمانى مازندرانى 39](#_Toc371017249)

[106- شيعه شدن زن انگليسى به بركت نماز امام حسين عليه‌السلام 40](#_Toc371017250)

[107- نتيجه روضه خواندن (آيت الله مرعشى نجفى) 41](#_Toc371017251)

[108- اهميت نماز عصر (رسول الله (صلى‌الله‌عليه‌وآله)) 42](#_Toc371017252)

[(چرا پريشان هستى و فرياد مى زنى؟!) 42](#_Toc371017253)

[109- معنى صحيح «الله اكبر» (امام جعفر صادق عليه‌السلام 43](#_Toc371017254)

[110- چهار نمازگزار عيبجو (لطيفه) 43](#_Toc371017255)

[111- دين بى خير (رسول اكرم (صلى‌الله‌عليه‌وآله)) 44](#_Toc371017256)

[112- معنى سبحان الله (حضرت على عليه‌السلام) 45](#_Toc371017257)

[113- امام حسين عليه‌السلام و مناجات 45](#_Toc371017258)

[114- سه مسلمان در همه دنيا (عفيف كندى) 46](#_Toc371017259)

[115- قضاى سى سال نماز (يكى از اهل مسجد) 46](#_Toc371017260)

[116- مناجات ملاصدرا (هانرى كربن فرانسوى) 47](#_Toc371017261)

[117- حاضرم تمامى نمازهايم را با آن آه عوض كنم 47](#_Toc371017262)

[118- نماز اول وقت (حضرت آيت الله العظمى صالحى مازندرانى) 48](#_Toc371017263)

[119- سفارش به نماز اول وقت (شيخ محمد مجتهد) 49](#_Toc371017264)

[120- يك منبر مخصوص نماز (آيت الله العظمى اراكى) 49](#_Toc371017265)

[121- قبله كدام طرف هست (لطيفه) 50](#_Toc371017266)

[122- تو بخوان تا من هم بخوانم (لطيفه) 50](#_Toc371017267)

[123- نماز سحرگاهان (ابن جنيد) 51](#_Toc371017268)

[124- تعجيل در نماز، ياتاخير؟ (حسن بصرى) 51](#_Toc371017269)

[125- نماز اول وقت (مقام معظم رهبرى) 51](#_Toc371017270)

[126- با فرياد بلند اذان بگويد (شهيد نواب صفوى) 52](#_Toc371017271)

[127- معراج نماز فاطمه (س) 52](#_Toc371017272)

[128- شب زنده دارى (مقام معظم رهبرى) 52](#_Toc371017273)

[129- وقت نماز شد گزارش را قطع كنيد (مقام معظم رهبرى) 53](#_Toc371017274)

[130- ما اگر كارى مى كنيم براى نماز است (مقام معظم رهبرى) 53](#_Toc371017275)

[131- نمازهاى پنچگانه و ريزش گناهان (پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله) 53](#_Toc371017276)

[132- حق نماز در كلام امام سجاد عليه‌السلام 54](#_Toc371017277)

[133- توجه و حضور قلب در نماز (حضرت امامراحل) 54](#_Toc371017278)

[134- نماز امام سجاد عليه‌السلام و نافله ها 55](#_Toc371017279)

[135- مثل كسى كه با نماز وداع كند نماز بخوانيد (امام جعفر صادق عليه‌السلام) 55](#_Toc371017280)

[136- نماز در حالت كسالت و چرت زدن ممنوع (حضرت على عليه‌السلام) 55](#_Toc371017281)

[137- دو ركعت نماز با توجه و آمرزش گناهان (امام جعفر صادق عليه‌السلام) 56](#_Toc371017282)

[138- الله اكبر (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله) 56](#_Toc371017283)

[139- شركت در نماز جماعت (حضرت على عليه‌السلام) 56](#_Toc371017284)

[140- نقشه شوم و تعبير نشدنى جاسوس انگليس 56](#_Toc371017285)

[141- من تو را دوست دارم (امام حسين عليه‌السلام) 56](#_Toc371017286)

[142- مهريه اندك: ولى ازدواج مهم (امام سجاد عليه‌السلام) 57](#_Toc371017287)

[143- شفا بيمار و عطا فرزند به واسطه اذان بلند (امام رضا عليه‌السلام) 57](#_Toc371017288)

[144- مسلمان شدن يك خانم فرانسوى به بركت نماز 57](#_Toc371017289)

[145- شيخ مفيد و اقامه نماز 58](#_Toc371017290)

[146- بهشت، يا نماز (ابوبكر شبلى) 58](#_Toc371017291)

[147- ز ورد نيمه شب و درس صبح گاه رسيد (مرحوم آيت الله سبزوارى) 58](#_Toc371017292)

[148- در محضر بزرگان (مرحوم آيت الله مولوى) 59](#_Toc371017293)

[149- در محضر بزرگان (حضرت استاد دريابارى) 60](#_Toc371017294)

[150- در محضر بزرگان (آيت الله العظمى كشميرى) 60](#_Toc371017295)

[151- همه در تسبيح و من به غفلت (يك اهلدل) 62](#_Toc371017296)

[152- پاداش نماز صبح و عشا (پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله) 63](#_Toc371017297)

[153- من از نماز سير نمى شوم (رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله) 63](#_Toc371017298)

[154- در شبانه روز هزار ركعت نماز امام رضا عليه‌السلام 63](#_Toc371017299)

[155- عبادت (آيت الله العظمى گلپايگانى) 64](#_Toc371017300)

[156- شب زنده دارى (آيت الله العظمى گلپايگانى) 64](#_Toc371017301)

[157- با حبيب چه خواهى كرد؟ (ملا حبيب الله شريف كاشانى) 65](#_Toc371017302)

[158- در سجاده عبادت و بندگى (حضرت آيت الله محمدى لائينى) 65](#_Toc371017303)

[159- وسواس در عبادات ممنوع (مرحوم قاضى) 67](#_Toc371017304)

[160- نماز سير الى الله (حضرت آيت الله العظمى ايازى) 67](#_Toc371017305)

[شرح حال حضرت آيت الله العظمى ايازى (ره) 67](#_Toc371017306)

[ستاره اى به خانه كوچك شيخ حيدر قدم نهاد. 68](#_Toc371017307)

[نوگل گلستان پدر 68](#_Toc371017308)

[در محضر استاد 69](#_Toc371017309)

[شوق هجرت به قم 69](#_Toc371017310)

[هجرت به نجف اشرف 70](#_Toc371017311)

[بر قله اجتهاد 71](#_Toc371017312)

[بازگشت به وطن 71](#_Toc371017313)

[استاد به ديدار شاگرد مى آيد 72](#_Toc371017314)

[غروب آفتاب 74](#_Toc371017315)

[پی نوشت ها : 78](#_Toc371017316)

[فهرست مطالب 86](#_Toc371017317)